



سال
هفت مضامین
کار مضامین



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک آموزشی



ROSHMAG

ویژه‌ی پنجاه

نقطه‌ی عطف / محمد عطاران، سیده فاطمه شبیری
ته مدرسه‌ی فردا کجاست؟ / شبیا ملک
پنجاه عدد بزرگی است! / زینب گلزاری
فرصت مطالعاتی / بهناز پورمحمد
ذوق و شوقی وصف ناپذیر / مرتضی مجدفر
شبیرینی خاطرات / نرگس اخیانی
بذری متفاوت / فرشته نجفی

علمی

فرصت یادگیری / محمدرضا حشمتی

علمی

مدرسه به مثابه میدان معنا (قسمت اول) / دکتر نعمت‌الله فاضلی

نگاهی دیگر

اپیزود چهارم را شما بنویسید / محمد علی شامانی

تجربه

موافق باشی یا مخالف، فقط با یک کلیک باهم فاصله داریم... / محمد کرام‌الدینی

طنز

سایت‌های با مرام / رویا صدر

علمی

قلب آموزش محله / ثمانه ایروانی

گزارش

یویروز اینترنت پرسرعت / شبیا ملک

تجربه

یک روز در کلاس روان‌شناسی آنلاین / غلامحسین رستگار نسب

معرفی سایت

پایگاه اینترنتی فرهنگی جام طهور / الهه دلجو

آموزش

آموزش نرم‌افزار SCRATCH (قسمت سوم) / آرزو امیر جاملویی

معرفی کتاب

تئوری یادگیری / نرگس لیاقی مطلق

آینده‌ی آموزش و آموزش آینده / بهناز پورمحمد

تجربه خارجی

سفری زمینی برای آشنایی با یک استان / منصوره فروزان

آموزش

اعداد فارسی در ورد ۲۰۰۷ / زینب گلزاری

شماره‌ی ۴ / دی ماه ۱۳۸۹ / دوره‌ی هفتم / شماره‌ی پی در پی ۵۰

رشد مدرسه‌ی فردا

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای معلمان، کارشناسان فناوری اطلاعات و ارتباطات آموزش و پرورش و دانشجویان تربیت معلم

مدیر مسئول: محمدناصری

سردبیر: محمد عطاران

شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی: شبیا ملک، سیده فاطمه شبیری، زینب گلزاری

مدیر داخلی: بهناز پورمحمد

ویزاستار: بهروز راستانی

طراح گرافیک: عبدالحمید سیامک‌نژاد

چاپ: افست (سهامی عام)

شمارگان: ۴۲۰۰۰ نسخه

نشانی پستی دفتر مجله: تهران، صنلوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵

تلفن: ۰۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ داخلی ۰۲۱

تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیر مسئول: ۱۰۲

دفتر مجله: ۱۱۲

امور مشترکین: ۱۱۴

تلفن‌های امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶ و ۷۷۳۳۶۶۵۵ داخلی ۰۲۱

نشانی امور مشترکین: تهران، صنلوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱

www.roshdmag.ir

E-mail: farda@roshdmag.ir

نقطه‌ی عطف

● محمد عطاران

این شماره، پنجاهمین شماره‌ی نشریه‌ی مدرسه‌ی فرداست. دیروز را به یاد می‌آورم که در مجتمع تنکابن دوستان پیشنهاد مرحوم مهندس علاقمندان را در باب انتشار «مدرسه فردا» مطرح کردند. در آغاز که شروع کردیم، فکر نمی‌کردم که به همین زودی به نقطه‌ی عطفی در زندگی این نشریه برسیم. معمولاً در این سن آدمیان به پختگی می‌رسند. نمی‌دانم این را ما تجربه کرده‌ایم یا نه؟ دیگران باید داوری کنند، ولی فکر می‌کنم که امیدمان به فردا بیشتر شده است. در آغاز تصورمان این بود که مجله‌ی مدرسه فردا مخاطبان محدودی خواهد داشت. نویسندگان ما کم بودند و شماری اندک را همراه خود داشتیم.

امروز که این نوشته را تحریر می‌کنم، می‌بینم از گوشه و کنار ما را همراهی کرده‌اند، دور و نزدیک. عادل دور از «بندر خمیر»، عبدالمحمد شعرانی از «بندر دیر»، شکوفه راستگو از «شیراز»، الهه دلجو از «تهران»، حسین فرزین نیا از «بسطام»، علیرضا منسوب بصیری از «مالزی»، عباس ممقانی بنایی از «بناب»، صغری ملکی از «شهریار»، عبدالحمید پهلوزاده از «آبدان بوشهر»، محمد رضا کرمانشاه از «شهر قدس»، فاطمه ابراهیمی از «شلمزار چهارمحال بختیاری» و ده‌ها نویسنده‌ی معلم و همکار دانشگاهی که کمک کردند تا به این جا برسیم.



● سیده فاطمه شبیری

اوایل شروع کار مجله بود و شاید ۵ - ۴ شماره بیشتر منتشر نشده بود. با دوستان در دفتر مجله بارها این صحبت پیش می‌آمد که بهتر است مجله به جای ماه‌نامه، به صورت فصل‌نامه منتشر شود. استدلالمان هم این بود که مگر چه قدر می‌شود درباره‌ی «آی تی» داد سخن داد و اگر بخواهیم هر ماه یک شماره تولید کنیم، حرف‌ها تمام می‌شود و به تکرار می‌افتیم. اما امروز که نگاه می‌کنم، می‌بینم نه تنها حرف‌ها به آخر نرسیده‌اند، بلکه آن قدر مطالب نو، کاربردی و مفید از سراسر کشور به دستمان می‌رسد که ناچاریم دست به انتخاب بزنیم و بعضی از نوشته‌ها را حذف و بعضی را ناگزیر کوتاه کنیم. حتی بنا به سیاست یک سوزن به خود و یک جوالدوز به مردم، بارها اعضای تحریریه به نوشته‌های خود و گاهی نوشته‌های سردبیر نیز رحم نکردند و همه را از تیغ گزینش خود رد کردند تا بهترین محصول را به دست مخاطبان عزیز برسانند. ما هم چنان برای ادامه‌ی راه چشم یاری به شما دوخته‌ایم. فکرتان را، ایده‌های نویتان را و قلم‌های شیوایتان را از ما دریغ نکنید. «مدرسه‌ی فردا» را مدرسه‌ی خودتان و مجله‌ی خودتان بدانید ما به تحریریه‌ی بزرگمان می‌بالیم.

تَه مدرسه‌ی فردا کجاست؟

● شیبیا ملک

مهرماه سال ۱۳۸۱ زمانی که هم دانشجو بودم و هم معلم، با تنها رایانه‌ی مدرسه که صفحه‌ی نمایش آن ۱۴ اینچ بیشتر نبود. در سایت مدرسه و با کمک خود دانش‌آموزان، اسلایدهایی را که شب قبل با کمک دخترم در فلاپی ذخیره کرده بودم، برای آن‌ها نمایش می‌دادم. بچه‌ها به سختی و از گوشه و کنار تصاویر را می‌دیدند و خوش‌حال بودند که معلم به روزی دارند و به قول خودشان، بهترین لحظات کلاس فیزیک را در سایت می‌گذرانند. در همان دوران، استاد دلسوز درس رایانه در دانشگاه، از همان اولین جلسه ما را به سالنی مجهز و تاریک هدایت کرد؛ جایی که با کمال تعجب، صفحه‌ی نمایش رایانه را روی پرده‌ی مقابلمان دیدیم.

آن هم به چه بزرگی سخت ذوق زده شدم...

استاد همان‌طور که شیوه‌ی الصاق فایل یا تصویر را به پست الکترونیکی توضیح می‌داد، یا طرز درست کردن پاورپوینت را برای ارائه‌ی سمینار آموزش می‌داد، از ما هم می‌خواست که خودمان با رایانه کار کنیم. دیدن فایل کار خودمان روی آن صفحه‌ی بزرگ، برای من خیلی هیجان انگیز بود. در آن لحظات یک انقلاب فناورانه در ذهنم شکل می‌گرفت. واقعا انگار از عصر حجر به عصر فضا آمده بودم!

این کلاس را با کلاس خودم در خانه مقایسه می‌کردم. اینترنت پرسرعت دانشگاه، با فلاپی سیاه رنگ کوچکی که به سختی اینترنت dial up و به کمک دخترم، چند عکس در آن جای داده بودم و هر بار دعا کردم خراب نشده باشد، قابل مقایسه نبود! با خودم می‌گفتم اگر این فناوری (همان ویدئوپرژکتور را می‌گویم) به کلاس من راه پیدا کند، غوغا می‌کنم! هشت سال پیش مدرسه‌ی فردای من همین بود؛ روزی که با اینترنت پرسرعت، با آن دستگاه پرهیبت و آن صفحه‌ی بزرگ که مثل پرده‌ی سینما بود، در کلاس چوب جادویم را در دست بگیرم و دائما لحظات «آهان! فهمیدم!» خلق کنم.

امروز در مدارس دولتی که تدریس می‌کنم، به جای یکی، چند دستگاه ویدئوپرژکتور قرار دارد. در سایت هر یک از این مدرسه‌ها، حداقل ۲۰ رایانه به اینترنت پرسرعت وصل است. تقریبا همه‌ی بچه‌ها کار با رایانه را بلد هستند و من هم دیگر دست به دامان دخترم نمی‌شوم. خودم کم‌کم در کنار دانش‌آموزانم یاد گرفته‌ام، چگونه فیلم و تصویر ذخیره کنم.

اما آیا این همان اتفاقی بود که در انتظارش بودم؟ مدرسه‌ی فردا چه محقق شده است؟ یادگیری و آموزش متحول شده است؟ فرداهایی که به جای کتاب، سی‌دی دست بچه‌ها باشد و هر دانش‌آموز با یک لپ‌تاپ به کلاس بیاید، یا اصلا به کلاس نیاید، در خانه کنار رایانه، تصویر مرا، نه فرزندان ما را که معلم شده‌اند، ببیند یا فیلم‌های آموزشی تماشا کند، چه چیز محقق خواهد شد؟ امروز در مقابل همان استاد نازنینی که برای اولین بار مرا سخت در برابر فناوری شگفت زده کرده، نشسته‌ام و این بار نه در کسوت دانشجو، بلکه همکار تحریریه. از خودم و ایشان و شما می‌پرسم: «مدرسه‌ی فردا قرار است چگونه باشد؟ تَه مدرسه فردا کجاست؟»



بنجابه

عدد بزرگی است!

• زینب گلزاری

چشم روی هم گذاشتیم شد شماره‌ی ۵۰!

چه قدر عدد ۵۰ عدد بزرگی است! من تا به حال به این موضوع فکر نکرده بودم.

۵۰ یعنی؛ صدها بار دور هم جمع شدن، هم‌فکری کردن، نظر دادن، دلیل آوردن، بحث کردن، تولید محتوا کردن، تجربه‌ها را دیدن و...
۵۰ یعنی؛ صدها بار به این فکر کردن که هر معلم با امکاناتش چه‌طور می‌تواند سهمی در استفاده از فناوری در آموزش داشته باشد.
۵۰ یعنی؛ صدها بار مرور خودمان به عنوان یک معلم و یافتن آن چه از دنیای امروز فناوری آموزشی می‌خواهیم. یعنی صدها بار تلاش برای متفاوت بودن و حرفی برای گفتن داشتن.

۵۰ عدد خیلی بزرگی است، وقتی که فکر کنید مخاطب این ۵۰ شماره چه کسانی بودند؛ یک معلم زحمت‌کش در روستایی محروم، در یک شهرستان، یا همین بغل گوش خودمان در کوچه و پس کوچه‌های تهران و...
وقتی فکر کنید ۵۰ بار حرفی برای گفتن داشته‌اید، حرف‌های تازه‌ای که شاید کمتر در مورد آن‌ها حرف زده‌اند، آن وقت است که به عظمت عدد ۵۰ پی می‌برید!



دیجیتالی ترین گزارش

با یکی از همکاران برای تهیه‌ی گزارش به مرکز بررسی بازی های رایانه ای رفته بودیم. قرار بود عکاس مجله با دستگاه ضبط و تعدادی مجله خودش را به ما برساند. چند دقیقه ای منتظر ماندیم، اما گویا ترافیک شهر آن روز بنای ناسازگاری با ما داشت. فقط نیم ساعت وقت مصاحبه گرفته بودیم و دیگر مجالی برای انتظار نبود. با همکارم وارد دفتر مسئول مرکز شدیم و خواستیم تا رسیدن همکار عکاس مختصری از هدف مصاحبه بگوییم و به نوعی کار را به وقت اضافه بکشانیم که ملتفت شدیم این جا نیم ساعت وقت همان نیم ساعت است.

چاره ای نبود باید دست به قلم می شدیم و از صحبت ها یادداشت بر می داشتیم تا ضبط و تجهیزات برسد، اما دریغ از یک مداد نصفه یا تکه ای کاغذ در کیف من و همکار دیجیتالی ام! چند دقیقه ای هر دو تا کمر خم شده بودیم و سرمان را تقریباً تا گردن توی کیف فرو برده بودیم بلکه حداقل خودکار تمام شده ای یا مداد نوک شکسته ای یا حتی یک نصفه برگه بیاییم! نبود که نبود! هنوز باورم نمی شود که چه طور می شود در یک روز هیچ ابزار نوشتنی در کیف دو معلم پیدا نشود! صحبت شروع شده بود و ما لحظات سختی را گذرانده بودیم ... با این حال کم نیاوردیم! خیلی سریع بر خودمان مسلط شدیم و من ضبط موبایلم را روشن کردم و همکارم که موبایلش به روز تر بود با آن قلم مخصوص موبایل مشغول نوشتن شد... و به این ترتیب، دیجیتالی ترین گزارش " رشد مدرسه فردا" ثبت شد!

فرصت مطالعاتی

● بهناز پورمحمد
مدیر داخلی نشریه

وقتی روزها و سال‌های پشت سر گذشته را ورق می‌زنم، می‌بینم هفت‌سال هم برای خودش عمری است. من در این هفت‌سال خیلی چیزها درباره‌ی «فناوری اطلاعات و ارتباطات» (ICT) یاد گرفتم. وارد حوزه‌ی جدیدی شدم که تقریباً اطلاعاتم در آن زمان صفر بود. دوستان جدیدی در این حوزه پیدا کردم که هر کدام برایم یک دنیا ارزش دارند. با مخاطبان جدیدی آشنا شدم که هر روز با شور شوق خاصی، تجربیات زیبای خود را با کمال میل در اختیار نماینده‌ی خود در رشد مدرسه فردا می‌گذاشتند و می‌گذارند تا دیگر همکاران از آن‌ها در کلاس درس استفاده کنند.

خلاصه‌ی آن‌ها را گذاشتم که به طور وحشتناکی از ورود به آن هراس داشتم و به سختی می‌توانستم با آن ارتباط برقرار کنم. حتی دست به صفحه‌ی کلید نمی‌زدم و می‌ترسیدم با زدن دکمه‌های آن به اشتباه، باعث خرابی و خرابکاری در سیستم شوم، ولی به خاطر شرایط کاری که پیش آمده بود، پا روی همه‌ی ترس‌ها گذاشتم و از آن روز تا به امروز که پنجاهمین شماره از مجله منتشر می‌شود، هر روز نکته‌ای از این دنیای اطلاعات فرا می‌گیرم و هنوز دانش آموز این فناوری هستم. همه‌ی این مقدمه را گفتم تا به این‌جا برسیم که آن شخصی که فویبای رایانه و فناوری را داشت، اکنون سالی را پشت سر گذاشته است که به دلیل سفر مطالعاتی سردبیر محترم مجله به خارج از کشور، تقریباً ۸ شماره، یعنی یک دوره‌ی مجله را بدون حضور فیزیکی سردبیر آماده انتشار کرد؛ البته و صدالبته با راهنمایی و نظارت مستقیم شخص سردبیر! می‌پرسید چگونه و چه‌طور؟

طی شش‌هفت ماهی که سردبیر تشریف نداشتند، حتی یک بار هم ارتباط کلامی و تلفنی نداشتیم. تنها راه ارتباط و هماهنگی امور مجله با سردبیر، فقط از طریق صفر و یک‌های دنیای مجازی، یعنی اینترنت بود. شاید باور نکنید، دسترسی به سردبیر در روزهای قبل از سفرشان، به مراتب سخت‌تر از ارتباط از طریق اینترنت بود، آن‌ها اصلاً مشکلی برای دسترسی به سردبیر نداشتیم، بیشتر اوقات ایشان یا آن لاین بودند یا اگر نبودند یادداشتی در ایمیلشان می‌گذاشتیم که به سرعت پاسخ می‌گفتند. این شرایط تا جایی روی کیفیت مجله تأثیر گذاشته بود که نقد و بررسی «رشد مدرسه فردا» که از طرف دفتر انتشارات کمک آموزشی برگزار شد، بیشتر سردبیران حاضر (لازم به ذکر است آن زمان هنوز سردبیر در خارج از کشور بودند) اظهار داشتند که اگر بدانیم بدون حضور فیزیکی سردبیران، مجله‌های رشد خوب و به سامان منتشر می‌شود، ما هم از مدیر مسئول مجلات درخواست می‌کنیم که به فرصت مطالعاتی برویم!

پس خواستن توانستن است.

ذوق و شوقی وصف ناپذیر

● مرتضی مجدفر
سر دبیر مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی

از نخستین روزی که قرار شد رشد مدرسه فردا منتشر شود، شرایط طوری رقم خورده است که همواره در کنار یاران مجله و همراه با آنان بوده‌ام. از تابستان ۱۳۸۳ که مرحوم مهندس علاقه‌مندان، با ذوق و شوقی وصف‌ناپذیر، دستور انتشار مجله‌ی ویژه‌ی فناوری اطلاعات را به مسئولان وقت «دفتر انتشارات کمک آموزشی» صادر کرد و قرار شد، گزارشی در مورد ویژگی‌ها و ضرورت انتشار این مجله آماده شود، در جریان کار مجله‌ی مدرسه‌ی فردا بوده‌ام. آن سال‌ها، دو سه سالی می‌شد که در دفتر انتشارات کمک آموزشی، در مقام معاون برنامه‌ریزی مجلات، انجام وظیفه می‌کردم. قرار شد گزارش مربوط به انتشار یا عدم انتشار مجله‌ی ویژه‌ی مباحث IT را من تهیه کنم.

در گزارشی که آماده کردم، نوشتم که IT از زمینه‌های نوظهور فناوری آموزشی است و بهتر است صفحات مجله‌ی «رشد تکنولوژی آموزشی» را افزایش و در درون این مجله، صفحات قابل تأملی، به IT اختصاص دهیم. در آن سال‌ها، رشد تکنولوژی آموزشی به مباحث IT ورود پیدا می‌کرد، ولی عمدتاً این مباحث در زمینه‌های نظری بود و کمتر مطلبی با سبک و سیاق رشد مدرسه فردای امروزی را در آن شاهد بودیم.

آقای علاقه‌مندان دلایل مرا پذیرفت، ولی گفت: «اگر ویژه‌نامه‌ای کار کنید، IT به درستی رشد نمی‌کند و به نوعی طفیلی دیگران می‌شود. من هم می‌دانم که فناوری اطلاعات بخش نوظهوری تکنولوژی آموزشی است، ولی می‌خواهم برجسته‌تر شود و در مدتی کم، به شکلی بارز خود را نشان دهد.» تجربه‌ی مجله‌ی کم حجم «رشد مدیریت مدرسه» که آن موقع تنها یک سال از عمرش می‌گذشت، ما را واداشت آقای علاقه‌مندان را مجاب کنیم، مجله‌ی جدید فناوری اطلاعات و ارتباطات هم در ۳۲ صفحه و با تأکید بر مطالب کاربردی منتشر شود. چنین شد و با حمایت «ستاد IT» سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و نیز وزارت آموزش و پرورش که رییس هر دو خود مرحوم مهندس علاقه‌مندان بود، مجله‌ی جدید شکل گرفت.

شیرینی خاطرات

● نرگس اخیانی

درست مثل نوجوانی که در سن بلوغ چهره عوض می‌کند، قیافه‌ی مجله ناگهان تغییر کرده بود! دیگر از آن فیگورهای شماتیک سفید که به زودی جایشان را به طرح‌هایی واقعی و ملموس دادند، خبری نبود! مثل سایت‌ها و نرم‌افزارهایی که در هر نسخه‌ی جدید، گرافیک لوگوها و منوها را تغییر می‌دهند و آن موقع تازه باورمان می‌شود که با چیز نویی رو به روییم!

یاد تماشای دسته‌جمعی آلبوم عکس‌های قدیمی می‌افتم. همه و با هم به «نسخه‌های قدیمی» خودمان نگاه می‌کنیم و از تغییرات به شگفت می‌آییم که چه‌طور در عرض چند سال همه چیز به نظر قدیمی و خنده‌دار می‌آید! این خنده از سر قیاس و عدم تناسب با فضای امروزمان است و انگار از نسخه‌های جدیدمان راضی‌تر به نظر می‌رسیم!

مدرسه‌فردایی‌ها هم کاش! زود به زود به آرشپوشان بخندند؛ به همان شیرینی خاطرات...

بذری متفاوت

● فرشته نجفی
طراح و گرافیست سابق رشد مدرسه فردا

آن روز را خوب به خاطر دارم؛ روزی را که مشغول طراحی لوگو و یونیفرم مجله بودم و در ذهنم مجله درختی پر بار، با گل‌ها و سایه‌ای زیبا بود که حالا باید بذرش را به خوبی می‌کاشتم. در میان درختان یک شکل، بذری متفاوتی را پیدا کردم که به نظر می‌رسید به هدف نزدیک است.

اولین شماره‌ی مجله را با همکاری سردبیر، مدیر داخلی و دوستان نویسنده به چاپ سپردیم. این اولین تجربه‌ی مجله‌ای من نبود، اما احساس تولدی دیگر بود که مرا هیجان زده می‌کرد اما مدرسه‌ی فردا برای من تنها خلق یک مجله نبود، آشنایی با گروه متخصصی بود که هر کدام در حیطه‌ی کاری خود گام بر می‌داشتند و به حرفه‌ی دیگری احترام می‌گذاشتند و اعتماد می‌کردند. به زودی ریشه‌های مجله محکم شد و به بار نشست. البته در این میان حرف‌ها و حدیث‌های فراوانی، از تفاوت این درخت با سایر درختان شنیده می‌شد. از این رو جلساتی با حضور مدیران هنری، در پی نقد و بررسی مدرسه‌ی فردا داشتیم و من و سردبیر از طراحی و فضای خاص مجله دفاع کردیم و تمامی آن‌ها با حضور نام مدرسه‌ی فردا بین اسامی برگزیدگان صفحه‌آرایی در جشنواره‌ی مطبوعات ایران، به پایان رسید.

فرصت یادگیری



● محمدرضا حشمتی
سردبیر رشد راهنمایی تحصیلی

فردا در آموزش و پرورش و مدرسه، یعنی هر لحظه پس از حال. با این رویکرد، ما هر لحظه باید در حال برنامه‌ریزی برای مدرسه‌ی فردا بر اساس ارزیابی عملکرد مدرسه‌ی امروز باشیم. بچه‌های فردا به مدارسی نیاز دارند که زمینه‌های اجتماعی شدن آن‌ها را مهیا سازد در بحث‌های نظری مرتباً از معارف اخلاقی، از خودگذشتگی، تعاون، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، صداقت، رعایت حقوق دیگران و... صحبت می‌کنیم، در حالی که یادگیری این موضوعات با سخنرانی و خواندن متون حاصل نمی‌شود. بچه‌ها باید با این اخلاقیات زندگی کنند تا آن‌ها را یاد بگیرند و بخشی از وجودشان شود. زندگی کردن با این فضایل به فرصت احتیاج دارد؛ همان فرصت یادگیری! اگر «مدرسه‌ی فردا» بخواهد برای «دانش‌آموز فردا» کارکرد مفید و مؤثری داشته باشد، وجود این ویژگی‌ها در آن اجتناب‌ناپذیر است:

- فراهم ساختن محیط فیزیکی جذاب، توجه به معماری و ترکیب فضا؛
- فراهم ساختن محیطی ایمن از ابعاد متفاوت، به گونه‌ای که در این محیط، امکان پرورش و شکوفایی استعدادها، خلاقیت و توانمندی‌های نهفته در ذات انسان‌ها فراهم باشد؛
- فراهم ساختن محیطی برای تربیت مهارت‌های گوناگون فکری، عملیاتی، رفتاری، و تعقل در کنار تعلیم دانش؛
- به‌وجود آوردن محیطی پرتحرک، فعال، پرجنب و جوش؛
- ایجاد محیط گرم و صمیمی در فضاهای آموزشی، تا حد احساس راحتی نزدیک به منزل (نظیر خارج ساختن کفش از پا، قبل از ورود به کلاس یا محیط ساختمان مدرسه)؛
- ایجاد محیط تعامل و کار گروهی؛
- محور قراردادن هویت دانش‌آموز در سازمان‌دهی؛
- برنامه‌ریزی آموزشی در حجم درسی کم، و فعالیت زیاد به صورتی چالش‌گرایانه، جست و جوگریانه، و هنرمندانه؛
- تلاش برای سوق برنامه‌های آموزشی از «استفاده کردن» به «پدید آوردن» و «یادگیری از طریق پدید آوردن»؛
- هر مؤلفه‌ی آموزشی، پس از ایجاد نیاز به آن و انگیزه‌ی به دست آوردن آن در دانش‌آموز؛
- توجه ویژه به برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که روح دانش‌آموزان را مخاطب قرار دهد. نظیر نقاشی، کارهای هنری آزاد، قصه‌خوانی، ایفای نقش در نمایش‌نامه‌ها و سرودها، انشا و داستان‌نویسی، نمایش‌نامه‌نویسی، گردش علمی
- مشارکت دادن حتی‌الامکان اولیا در امور آموزشی و اجرایی مدرسه، به صورت جدی
- ادغام و عدم تفکیک دانش‌آموزان تیزهوش، عادی و بعضاً استثنایی در سطح قابل قبول، فراهم ساختن محیطی که هر یک از آن‌ها بتوانند در این محیط، با در نظر گرفتن واقعیت‌های محیط بیرونی، فرصت رشد مناسب داشته باشند؛
- دور شدن از نظم‌های ماشینی خشک و پادگان گونه در محیط آموزشی، و فراهم آوردن محیط آرام، فعال و پرجنب و جوش.

منابع

۱. مورن. ادگار، هفت دانش ضروری برای آموزش و پرورش آینده، ترجمه‌ی محمد یمنی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۳.
۲. نظام برتر، آینده آموزش و آموزش آینده، ادوان مجیدی، نشر ترمه، تهران، ۱۳۸۰.

به مثابه میدان معنا مدرسه

● دکتر نعمت‌الله فاضلی

عضوهیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی تهران

سرآغاز

متن حاضر بحثی است درباره‌ی وضعیت مدرسه در ایران امروز و چگونگی آینده‌ی آن. این بحث براساس تجارب زیسته و مشاهدات و تأملات «خودمردم نگارانه»ی نگارنده انجام گرفته است. نگارنده به عنوان شهروند ایرانی در مدارس ایران تحصیل کرده و در گذشته‌ی دور نیز مدتی در دبیرستان علامه حلی تهران به کار تدریس پرداخته ام. در عین حال در تعاملات روزمره به طور مستمر شاهد مدرسه‌ی ایرانی و دانش آموزان و فرایند تحصیل آن‌ها بوده ام. از این رو در این جا تلاش کرده‌ام این تجربه‌ها را به کمک برخی مفاهیم نظری و چشم اندازهای مطالعات فرهنگی توضیح دهم.

اما بررسی دقیق و تجربی موضوع آینده‌ی مدرسه، به انجام تحقیقات نظام مند گسترده نیاز دارد. و بحث حاضر از آن جا که مبتنی بر چنین تحقیقاتی نیست، نمی تواند چیزی بیش از طرح مسئله محسوب شود. هم چنین، در این بحث تنها برخی ابعاد موضوع را تحلیل کرده ام و تلقی یا برداشت خاصی را از تحولات و مفهوم مدرسه‌ی ایرانی در آینده ارائه نداشته‌ام. این تلقی برپایه‌ی روند تکوین، توسعه و تحول نظام مدرسه ای جدید، از آغاز آن تاکنون، در سه دوره‌ی سنت، تجدد و تاریخ اکنون شکل گرفته است. خلاصه سخن من این است که در آینده کار کردهای مدرسه یعنی تولید و تکثیر عقلانیت جدید تمدن آموزی و یاددهی شیوه‌ی زندگی شهری و مدنیت جدید، و جامعه‌پذیری سیاسی دیگر از عهده‌ی مدرسه بر نخواهد آمد. تلاش کرده ام تا با در گرفتن تحولات نظام مدرسه در ۵۰ سال گذشته، تصویری از مدرسه در نیم قرن بعد ارائه دهم. اگر بخواهم این تصویر را به طور کامل و دقیق توضیح دهم، مستلزم پاسخ گویی به پرسش های زیادی است که اغلب آن‌ها را ناگفته گذاشته ام.

در این بحث ابتدا به طور کوتاه «چشم انداز نظری مسئله»

را توضیح داده ام. سپس به بررسی «مفهوم مدرسه» پرداخته‌ام و در قسمت سوم بحث، ایده‌ی اصلی ام را درباره‌ی مدرسه‌ی فردا توضیح داده ام. بخش دیگر بحث به «خانواده محور» شدن دبستان آینده و رسانه‌ای شدن مدرسه اختصاص دارد. مقاله با بحث «دبیرستان آینده» و «آموزش نامرئی» پایان می یابد؛ بدون آن که بحث به معنای دقیق کلمه خاتمه یافته باشد. امیدوارم زمانی فرصت پیدا کنم و ابعاد دیگر دیدگاه مطرح شده در این مقاله را شرح دهم. هم چنین، امیدوارم معلمان و محققانی که متن حاضر را مطالعه می کنند، یاری دهند تا در پرتو تجربه‌ها و تحقیقات‌شان، بحث یا دیدگاه مطرح شده در این جا محک بخورد و آزمون شود تا صحت یا عدم صحت آن را بسنجیم. نگارنده خود به محدودیت های دیدگاه مطرح شده در اینجا واقفم و به هیچ عنوان داعیه‌ای برای آن ندارم؛ جز این که شاید این دیدگاه بتواند یکی از دیدگاه های ممکن برای شناخت وضعیت کنونی و آینده‌ی نظام مدرسه ای در کشور ما باشد.

طرح مسئله و چشم انداز

پاسخی که به عنوان انسان شناس یا محقق مطالعات فرهنگی می توانم به این سؤال بدهم که: «آینده‌ی مدرسه در ایران چگونه خواهد بود؟» مستلزم بیان چند ملاحظه است. با ملاحظه‌ی این نکات مقدماتی از منظر مطالعات فرهنگی، آینده‌ی ممکن یا محتمل نظام مدرسه‌ای را توضیح می دهم. البته پر واضح است که در زمینه‌ی تحولات و رخدادهای اجتماعی نمی توانیم مانند هواشناسان به پیش بینی پردازیم و از وضعیت حال و هوای آینده ۲۴ ساعت بعد صحبت کنیم! پیش بینی ها در علوم اجتماعی همواره با اما و اگرهای متعدد همراه اند. برای تحلیل فرهنگی یا اجتماعی، معمولاً باید از چشم انداز یا رویکرد معین بهره جست. رویکردی که در این جا به کار می برم، رویکرد



مطالعات فرهنگی است. این نگاه در حالت

کلی چند ویژگی دارد:

۱. بر «نگاه انتقادی» تأکید دارد. نگاهی که مناسبات قدرت و اشکال گوناگون روابط سلطه‌ی موجد تبعیض‌ها، نابرابری‌ها و سلسله مراتب قدرت را آشکار کند.

۲. «معناکاوانه» است و امر اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی را به مثابه پدیده‌ای تفسیری-تأویلی و معنایی می‌شناسد که به هر حال، انسان‌ها در مناسبات‌شان این پدیده‌ها را از راه زبان و اشکال گوناگون بیان، یا اظهار یا بازنمایی، خلق و ارائه می‌کنند و معناها و نمادها را شکل و انتقال می‌دهند.

۳. بر تجربه‌های واقعی افراد، عاملان یا کنشگران تأکید دارد و معمولاً با اصطلاح «نگاه درونی» این ویژگی توضیح داده می‌شود.

۴. در جهت درک ارزش‌ها، باورها و جهان‌بینی حاکم بر عرصه‌ی معانی می‌کوشد.

ملاحظه‌ی دیگر درباره‌ی مفهوم مدرسه‌ی آینده، توجه به تغییر در مدرسه است. ما وقتی از آینده سخن می‌گوییم لاجرم از تغییرات باید یاد کنیم. درک تغییرات در مدرسه‌ی آینده مستلزم توجه به تمامی تغییراتی است که در تمام ابعاد

مدرسه، یعنی در روابط بین معلمان و دانش‌آموزان، دانش‌آموزان با یکدیگر، مدیران و دانش‌آموزان، اولیا و مدرسه، اولیا و دانش‌آموزان، برنامه‌ها و متون درسی، و روابط بین مدرسه و محیط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رخ می‌دهد. همچنین باید عوامل و نیروهای تغییر، ابزارها و زمینه‌های تغییر و روش‌های آن را توضیح دهیم. تشریح این ابعاد نیز در پرتو یک دیدگاه نظری معین ممکن است. در این‌جا مجال بررسی دقیق تک‌تک ابعاد مذکور ممکن نیست. ولی تلاش می‌کنم تا در پرتو تحلیل مدرسه‌ی ایرانی، در بستر تحول از سنت به تجدد و تحولات دوره‌ی مابعد تجدد، یعنی امروز و نیم قرن آینده، کلیه تحولات محتمل مدرسه در ایران را توضیح دهیم. این دیدگاه لزوماً ممکن است نتواند همه چیز را بیان کند، اما قطعاً یکی از دیدگاه‌های موجود در این زمینه است.

مفهوم مدرسه

ملاحظه‌ی اصلی دیگر این است که مفاهیم «مدرسه» و «آینده» مفاهیم بدیهی و روشنی نیستند. اگر از مدرسه‌ی فردا سخن می‌گوییم، باید اول مشخص کنیم «فردای» ما کجا قرار دارد. فردای ۲۰ سال بعد یا فردای ۵۰ سال بعد یا فردای ۱۰۰

سال بعد؟ همچنین باید مشخص کنیم که به چه چیزی مدرسه می‌گوییم تا بتوانیم آن را مبنای تجزیه و تحلیل خود قرار دهیم. ما می‌توانیم تلقی‌های متفاوتی از این دو مفهوم داشته باشیم و هر کدام از این تلقی‌ها می‌توانند پیامدهای خاصی را برای تحلیل ما به وجود آورند. ابتدا از تحلیل «مفهوم مدرسه» شروع می‌کنم. حداقل چهار برداشت یا تلقی از مدرسه را می‌توان از هم تفکیک کرد:

۱. مدرسه را می‌توان به مثابه یک «مکان» دانست. یعنی فضایی معمارانه و مکانی که در آن کلاس‌های درس برگزار می‌شوند و عده‌ای کارگزار و معلم در خدمت دانش‌آموزان هستند و در آن‌جا کار آموزش را انجام می‌دهند. این تلقی عامیانه‌ای است که بسیاری از افراد عادی یا غیر متخصص وقتی از مدرسه سخن می‌گویند، غالباً چنین تصویری از مدرسه دارند.

۲. مدرسه به مثابه «سازمان رسمی». یعنی سازمان یا اداره‌ای که

دارای وظایف و هدف‌های معین، نظم، و سلسله مراتب اداری مبتنی بر مقررات رسمی است. این مؤسسه از طرف دولت یا نظام سیاسی شکل می‌گیرد تا کار آموزشی انجام دهد. این تلقی مبتنی بر بینش بوروکراتیک یا اداری، بین بسیاری از افراد، از جمله کارگزاران مدارس رایج است.

۳. مدرسه به معنای «نهاد اجتماعی». یعنی مدرسه مجموعه‌ای از مناسبات اجتماعی الگو دار و پایدار است که برای پاسخ‌گویی به نیازهای آموزشی و فرهنگی

معینی در دنیای مدرن شکل گرفته است.

تلقی‌های مذکور هیچ یک نمی‌توانند مفهوم مدرسه در بستر امروزی و آینده‌ی ممکن آن را بیان کنند. حتی تلقی نهادی هم کاستی‌هایی دارد؛ اگر چه به آن واقعیتی که می‌خواهم بگویم، نزدیک‌تر است. از این‌رو، با توجه به دیدگاهی که برای تحلیل آینده‌ی مدرسه دارم، در ادامه تعریفی متفاوت از آن ارائه می‌کنم.

۴. مدرسه به مثابه یک «فضا یا میدان معنایی». مدرسه در معنای واقعی‌اش، فضایی است که در آن فرایندهای یادگیری و یاددهی رخ می‌دهد. مطابق این تعریف مدرسه «تعریف اعتباری» ندارد بلکه تنها «تعریف واقعی» دارد. ممکن است نام جایی مدرسه باشد، ولی در آن یاددهی و یادگیری واقعی رخ ندهد و برعکس ممکن است جایی نام مدرسه نداشته باشد ولی نیازهای واقعی آموزشی مردم در آن‌جا رخ دهد. با این رویکرد می‌خواهم معنای مدرسه در آینده را توضیح

دهم.

مدرسه نوعی فضای ذهنی و معنایی با مجموعه‌ای از شبکه‌های مناسبات اجتماعی است که ما در آن، فعالیت‌های مشخص آموزشی و غیر آموزشی را انجام می‌دهیم. در این‌جا پیش از آن که مسئله‌ی الگومندی، پایداری و نهادمندی مدرسه مطرح باشد، معناداری مسئله‌ی اصلی آن

مدرسه میدان یا فضایی معنایی است که در آن مجموعه‌ای از ذهنیت‌ها، باورها، ارزش‌ها و جهان‌بینی‌هایی وجود دارد



| | |
|---|-----------------------|
| کارگزار و معلم در خدمت دانش‌آموز | یک مکان و فضای معماری |
| آموزش دولتی - کارآموزش | سازمان رسمی |
| پاسخ‌گویی به نیازهای آموزشی دنیای مدرن | نهاد اجتماعی |
| مجموعه‌ای از پیش‌ذهن‌ها و باورهای مربوطه به معنای یادگیری - کاربرد سواد و ... در آن انسجام می‌یابد و عینیت پیدا می‌کند. | فضا یا میدان معنایی |

های سیاسی و ایدئولوژیک خود داشته باشد. نیروهای رسانه ای و قدرت خانواده بر قدرت دولت پیشی خواهد گرفت. دیوارهای مدرسه از دور آموزش کنار می‌روند و آموزش بیش از آن که در نظام مدرسه ای رخ دهد، در میدان مدرسه خواهد بود. مفهوم «نظام» برای فهم مدرسه در بافت دوران مدرن اهمیت زیاد دارد. زیرا نظام، به یکپارچگی اهداف، برنامه‌ها و خط‌مشی‌های آموزش در مدرسه اشاره می‌کند. و در دنیای کنونی و آینده، دیگر چنین نظامی وجود نخواهد داشت.

در چنین بافت اجتماعی است که مدرسه یا آموزش، بیش از آن که سیستم یا نظام باشد، یک میدان مبادله و انتقال معنایی است. در این جا تمرکز زدایی و، مکان زدایی و کاهش کارکردهای اجتماعی و فرهنگی مدرسه را «نهادزدایی» می‌نامیم. نهادزدایی به معنای این نیست که آموزش از بین می‌رود، بلکه آموزش در چارچوب فرهنگی جدیدی که آن را میدان معنایی می‌نامیم، انجام می‌شود؛ میدان یا فضایی که در آن گفت و گو درباره‌ی آموزش به صورت جمعی به وجود خواهد آمد، و خانواده‌ها، دانش‌آموزان و کارگزاران مدرسه در این گفت و گوی جمعی مشارکت واقعی و جدی می‌کنند و منافع و زبان مشترک خودشان را به وجود می‌آورند. همچنین در این فضا آموزش براساس نیازهای واقعی و مبتنی بر تجربه افراد در زندگی و زندگی روزمره بازار کار می‌گیرد. در این فضا افراد آنها نقش تعیین‌کننده‌ای در برنامه‌ها، محتوا و روش‌های آموزش یا یادگیری خواهند داشت. در این فضا به جای مدرسه، مدرسه زندگی، توسعه خواهد یافت.

در عین حال، رسانه ای شدن باعث فرو ریختن دیوارهای مدرسه می‌شود و آموزش در فضای مجازی توسعه می‌یابد. اکنون به تدریج تحولاتی

است. اگر چه ممکن است برخی از این معناها الگومند شده باشند، ولی می‌توانیم معنایی را پیدا کنیم که در مدرسه الگومند یا پایدار نیستند؛ یعنی تکرار نمی‌شوند. معانی مفهومی که در این جا از مدرسه مورد نظر است، مدرسه را به مثابه فضایی معنایی، فراتر از مفهوم نهاد اجتماعی در نظر می‌گیرد. مدرسه میدان یا فضایی معنایی است که در آن مجموعه‌ای از ذهنیت‌ها، باورها، ارزش‌ها و جهان‌بینی‌هایی وجود دارد و آموزش، یعنی فرایند یاددهی - یادگیری، در آن تحقق پیدا می‌کند؛ یعنی مجموعه‌ای از پیش فرض‌ها و باورهای مربوط به معنای یادگیری، معنای یادگیرنده، فایده‌ها و ارزش‌های یادگیری - یاددهی، کاربردهای سواد، ابعاد متفاوت دانش و کارکردهای گوناگونی که یادگیری - یاددهی یا دانش می‌تواند داشته باشد. مدرسه یک فضا یا میدان معنایی است که ما همه‌ی این باورها را در آن جا به نوعی انسجام می‌دهیم و به آن‌ها عینیت می‌بخشیم.

آموزش، فضا و میدانی از معانی را به وجود می‌آورد که در آن میدان یا فضا، و دانش‌آموزان را تجربه می‌کنند یا فرامی‌گیرند. در این میدان معنایی رسانه‌ها، اینترنت، فضای مجازی، ماهواره‌ها و مناسبات دانش‌آموزان با والدین آن‌ها در کنار مدرسه و بیش از مدرسه در فرایندهای یاددهی و یادگیری دانش‌آموزان سهیم هستند. از این رو مدرسه در این بستر جدید و دیگر مانند گذشته چندان مکانمند یا نهادمند نیست، و در این جا نمی‌توانیم با مفهوم الگومندی، نهادمندی یا مکان‌مندی، آن چه را که ما از طریق اینترنت، تلویزیون، خانواده یا مادران می‌گیریم، تحلیل کنیم. در آینده، مدرسه ساختار متمرکز و «مرکز محور» خود را از دست می‌دهد یا به شدت این مرکزیت تضعیف می‌شود.

در آینده، دولت نمی‌تواند مانند گذشته قدرت همه جانبه ای برای کنترل و نظارت بر عملکرد مدرسه در خدمت هدف



وقایع و رخداد‌های خاص.

نکته‌ی سوم درباره‌ی آینده‌ی مدرسه این است که ببینیم از چه سطح مدرسه سخن می‌گوییم. آینده‌ی دبستان با آینده‌ی دبیرستان معادل نخواهد بود، چون بین دبستان و دبیرستان تفاوت‌های ماهوی وجود دارد. دبستان به دلیل این که کودکان در آن حضور دارند، نه جوانان، ارتباط تنگاتنگی با نهادهایی مثل خانواده دارد. در حالی که در دبیرستان، دانش‌آموزان جوان هستند. جوانان به دلیل این که به مرحله‌ی دست یافتن به استقلال شخصی و بلوغ جسمی، اجتماعی و روانی می‌رسند، با خانواده فاصله‌ی بیشتری پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر، جوانان هر جا که قرار بگیرند، می‌توانند به صورت یک موجودیت با هستی اجتماعی مستقل ایفای نقش کنند، اما دانش‌آموزان در دبستان مستقیماً توسط نهادهای اجتماعی مانند خانواده هدایت می‌شوند و در نتیجه وابستگی آن‌ها به نهادها خیلی شدید است.

مفهوم مدرسه‌ی فردا

از نگاهی تاریخی، میدان معنایی مدرسه در گذشته‌ی دور، یعنی دوران پیشامدرن، در سطح عمومی و عمدتاً حول و حوش مکتب‌خانه‌ها شکل می‌گرفته است و در سطح عالی آن، مدرسه‌های علمیه بوده‌اند. از آن جا که در دوران پیشامدرن، کاربردهای سواد و کارکردهای آموزش محدود بود و مهارت‌های پیچیده‌ای برای زندگی اجتماعی لازم نبود، در نتیجه علم و دانش به سطح تراکم یا انباشت امروز نرسیده و فاقد ویژگی‌هایی بود که بتوان از دانش به طور گسترده‌ای استفاده کرد.

این میدان یا فضای معنایی، مکتب‌خانه‌ای کوچک و محدود بود و در آن دوره، تا حدود زیادی مفهوم مکانمندی مدرسه برای آن صادق بود. یعنی ما می‌توانیم به روشنی بگوییم که آموزش در خانواده نبود، رسانه‌ای هم وجود نداشت، و «عرصه‌ی عمومی» هم عرصه‌ی آموزش نبود. به طور پراکنده چند مدرسه‌ی علمیه وجود داشت و تعداد محدودی هم مکتب‌خانه. طبیعتاً در این شرایط می‌توان نهاد آموزش را به مفهوم مکان محدود کرد. یعنی می‌توانیم نوعی تلقی معمارانه و مکانمند از مدرسه داشته باشیم. این مکان مندی همچنین اشاره به پیوند مکتب‌خانه با سرزمین ایران نیز دارد. زیرا نظام مکتب‌خانه از نظر ارزش‌ها، برنامه‌ی درسی و جهت‌گیری‌های فرهنگی، کاملاً منطبق با مقتضیات زیست محیطی و تاریخ و فرهنگ ایرانی و جامعه و سرزمین آن بود. اما در دوران مدرن، یعنی بعد از انقلاب صنعتی از نیمه‌ی قرن نوزدهم به بعد، «نظام مدرسه‌ای جدید» ابتدا در اروپا و غرب شکل می‌گیرد و سپس از اوایل قرن بیستم به تدریج به دیگر کشورهای جهان از جمله ایران گسترش می‌یابد. در این دوره، دولت-ملت‌های جدید شبکه‌های ملی مدرسه‌ی جدید را به

در راهبردهای آموزشی ایجاد شده است. تنبیه دیگر از محیط آموزش حذف شده و دانش‌آموزان از حقوق بشر برخوردار می‌شوند. بیشتر دارندگان از حقوق سنتی جامعه پدرسالار. حال با در نظر گرفتن این دیدگاه می‌توانیم به تحلیل این سؤال پردازیم که آینده‌ی مدرسه در ایران چگونه ممکن است باشد. ولی همان طور که گفتیم، ابتدا مفهوم آینده نیز باید روشن شود. آینده را چه می‌دانیم؟

فرنان برودل، مورخ صاحب نام مکتب «تاریخ نگاری آنالز» می‌گوید در سه سطح می‌توانیم آینده را پیش‌بینی کنیم یا در مورد آینده سخن بگوییم. یکی در سطح کوتاه‌مدت، یعنی مثلاً ۱۰ سال، دیگری در سطح میان مدت، یعنی ۵۰ سال و نهایتاً در سطح بلندمدت، یعنی ۱۰۰ سال. هر یک از این سطوح با معیار معینی تحلیل می‌شود. در سطح کوتاه‌مدت، معیار ما تجزیه و تحلیل وقایع و رخدادهاست. در سطح میان مدت به تجزیه و تحلیل نهادها و مناسباتی می‌پردازیم که «مناسبات و نهادهای اجتماعی» (مانند نهاد خانواده، دین و سیاست) به وجود آورده‌اند. در سطح بلند مدت باید در «سطح تمدنی» تجزیه و تحلیل کنیم و از «نسل‌ها» سخن بگوییم؛ یعنی گردش نسل‌ها و تحولات بزرگ تمدنی.

وقتی از تجزیه و تحلیل نهادها صحبت می‌کنیم، مثلاً این که تحولات خانواده، مدرسه را چگونه خواهد کرد، یا تحولات اقتصادی چه پیامدهایی برای مدرسه به وجود می‌آورد، باید توجه داشته باشیم که در ۵۰ سال آینده، به احتمال قریب به یقین الگوی خانواده‌ی را که امروز داریم، نخواهیم داشت. همان طور که امروزه، الگوی «خانواده‌ی سنتی» ۵۰ سال پیش بسیار تغییر کرده است. به همین ترتیب نهادهای سیاسی و اقتصادی هم طی نیم قرن گذشته تحول یافته‌اند.

در این جا برای هدف ما، تجزیه و تحلیل‌های میان مدت نهادی مناسب‌تر از تجزیه و تحلیل بلند مدت است. چون تجزیه و تحلیل‌های بلندمدت آن قدر دور دست هستند که ممکن است نتیجه را تخیلی و غیرواقع بینانه کنند. اگر چه ممکن است این نوع تحلیل تمدنی الهام بخش ایده‌های تازه باشند، ولی کارایی انضمامی مشخصی ندارند. تجزیه و تحلیل‌های کوتاه مدت هم چندان واقع بینانه نیستند. زیرا به سختی سطوح تحولات ساختاری جامعه در این پیش بینی‌ها در نظر گرفته می‌شوند. حال در این جا برای تحلیل آینده‌ی ممکن یا محتمل مدرسه در ایران، وضعیت میان مدت، یعنی ۵۰ سال آینده را در نظر می‌گیریم. چون آن چه که تحولات مدرسه را بیشتر به طور علنی تحت تأثیر قرار می‌دهد، «تحولات نهادی» است و نه

در این میدان معنایی
رسانه‌ها، اینترنت،
فضای مجازی،
ماهوره‌ها و مناسبات
دانش‌آموزان با والدین
آن‌ها در کنار مدرسه
و پیش از مدرسه در
فرایندهای یاددهی و
یادگیری دانش‌آموزان
سهیم هستند

مثابه بخشی از نظام سیاسی مدرن خلق و تعریف کردند. و دولت ها با ورود گسترده به آموزش، تلاش کردند تا قوانین، رویه‌ها و عملکردهای فرهنگ‌های یاددهی - یادگیری را مطابق اهداف سیاسی دولت - ملت جدید توسعه دهند و آن‌ها را همگانی‌تر و نظام‌مند، الگومند، ساختار یافته، همگن و پایدار سازند. از این جا آموزش معنای نهادی گسترده‌ای پیدا کرد و مدرسه به یک نهاد اجتماعی مهم و ضروری جامعه‌ی مدرن تبدیل شد.

به خصوص پس از انقلاب صنعتی و پیامدهای آن، یعنی توسعه‌ی شهرنشینی، اقتصاد صنعتی جدید و دولت - ملت ها، جامعه‌ی جدید به نیروی باسواد، ماهر و شهروند متعهد به نظم اجتماعی شکل گرفته حول دولت - ملت نیاز داشت. تربیت این شهروند و نیروی ماهر باسواد را «نظام مدرسه‌ای» و «نظام آموزشی عالی» جدید عهده دار شدند. در نتیجه، در جامعه‌ی مدرن مدرسه نهادی اجتماعی شد که به نیازهای گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مدرن پاسخ می‌دهد. اما این تلقی از مدرسه هنوز از نظر سطح فناوری‌ها و راهبردهای آموزشی، جهت‌گیری‌های سیاسی و فرهنگی به مفهوم مکان وابسته است، زیرا نظام مدرسه‌ای جدید در هر کشوری تا حدود زیادی متناسب با مقتضیات محلی و ملی آن کشور شکل می‌گرفت:

در تمام دوران مدرن، از سال ۱۸۰۰ تا حدود ۱۹۵۰، ما آن تلقی نهادی از مدرسه را داریم. از دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به بعد، مفهوم نهادی مدرسه تحت تأثیر تحولات جدید که گاهی آن را دوره‌ی پسامدرنیته، پساصنعتی، پسافوردیسم، پساستعماری، یا جامعه‌ی اطلاعاتی، شبکه‌ای و دانش محور می‌نامند، با چالش‌هایی رو به رو می‌شود. هر قدر به دنیای اکنون نزدیک‌تر می‌شویم. مدرسه شاهد فرایند مکان‌زدایی و نهادزدایی می‌شود. شاید اولین بارقه‌های این نهادزدایی و مکان‌زدایی را بتوان در ایده‌های انتقادی «مدرسه‌زدایی» ایوان ایلچ، و نقدهایی که پائولوفریره، نسبت به عملکردهای مدرسه مطرح می‌کند، یافت. از نیمه‌ی دوم قرن بیستم، هم‌زمان که نظام مدرسه‌ای جدید جهان گیر و همگانی می‌شود، با ناکارآمدی‌های نظام مدرسه‌ی جدید نیز رو به رو می‌شویم. این ناکارآمدی به خصوص در کشورهای جهان سوم یا جوامع غیرغربی آشکارتر است.

نظام مدرسه‌ای جدید وعده‌ی تربیت شهروندان خلاق، فعال، دانش، متخصص و ماهر را داده بود. اما به تدریج این نظام به کارخانه‌ی تولید دیپلم و بیماری مدرک سالاری مبتلا شد، در این بیماری، دانش آموزان بدون این که بتوانند مهارت‌ها و قابلیت‌های لازم شناختی، عاطفی و رفتاری را کسب کنند، موفق به اخذ دیپلم می‌شدند. این جوانان مدرک گرفته، علاوه بر آن که هزینه‌های سنگین مالی و اجتماعی صرف

تحصیل‌شان می‌شد، دارای آن‌گونه انتظارات شغلی و اجتماعی بودند که شایستگی‌های لازم و قابلیت‌های مناسب برای کسب آن‌ها را نداشتند. با وجود این، نظام مدرسه‌ای جدید دارای کارکرد مهمی بود که وجود آن را توجیه می‌کرد؛ کارکرد تمدن‌آموزی و جامعه‌پذیری سیاسی. درک این موضوع از آن رو اهمیت دارد که آن‌چه در مدرسه‌ی آینده تغییر می‌کند، همین کارکردهای مدرسه است.

یکی از ویژگی‌های مهم «مدرسه‌ی مدرن» این است که مدرسه اصلی‌ترین نهاد «مدیریت اجتماعی و فرهنگی» جامعه‌ی جدید به حساب می‌آید. به تعبیر لویی آلتوسر، مدرسه‌ی مدرن «دستگاه ایدئولوژیک دولتی» است، دستگاهی که در آن ایدئولوژی دولت - ملت مدرن در آن تولید و بازتولید می‌شود. هدف این ایدئولوژی تولید «هویت دولتی» ذیل برجسب هویت ملی است. به تجربه‌ی دوران کودکی ام که برمی‌گردم، در ۴۰ سال پیش، ما دانش‌آموزان از مدرسه، پیش از آن که دانش جدید یاد بگیریم، سرمشق‌های جدید زندگی را یاد می‌گرفتیم؛ طرز لباس پوشیدن، راه رفتن، غذا خوردن یا طرز سخن گفتن به زبان معیار یا رسمی. ما چون در روستا بودیم، مسئله‌ی «شهری بودن» خیلی برایمان اهمیت داشت. دانش‌آموزان روستا فرایند شهری شدن را در مدرسه یاد می‌گرفتند. بنابراین، مدرسه در تعریف نهادی و مکانمند مدرنش، جایی بود که «فرایند تمدن‌آموزی» در آن اتفاق می‌افتاد.

اما در سال‌های اخیر، این فرایند تمدن‌آموزی کجا صورت می‌گیرد؟ آیا مدرسه می‌تواند مثل ۴۰ یا ۵۰ سال پیش، این نقش و کارکرد اجتماعی را ایفا کند؟ پاسخ آن منفی است. اکنون یک دهه است که وظیفه‌ی تمدن‌آموزی یا یادگیری مدنیت جدید تا حدود زیادی از دوش مدرسه برداشته شده است. در نتیجه، نظام مدرسه‌ای جدید با بحران مهم از دست دادن کارکرد اجتماعی اصلی‌اش روبه‌روست. در شرایطی که آموزش مدرسه‌ای قادر نیست مهارت‌ها و قابلیت‌های لازم را برای دانش‌آموزان فراهم سازد، اگر کارکرد تمدن‌آموزی‌اش را هم از دست بدهد، اساساً وظیفه‌ی دیگری برای آن نمی‌ماند. اما چرا و چگونه مدرسه تا حدود زیادی کارکرد تمدن‌آموزی‌اش را از دست داده است؟

یک قرن پیش، ما جمعیت شهرنشین آگاه و آشنا با شیوه‌ی اصولی زندگی شهری را نداشتیم. زیرا بیش از ۸۰ درصد جمعیت ایران روستایی و عشایری بود. از این رو، حدود یک قرن پیش که نظام مدرسه‌ای جدید در ایران شکل گرفت، تعداد کمی از مردم ما با زندگی شهری آشنا بودند. در آن بافت اجتماعی، مهم‌ترین کار مدرسه این



بود که به این جمعیت تازه شهرنشین شده، شیوهی زندگی شهرنشینی را بیاموزد. هم‌چنین، یک قرن پیش رسانه‌ها نیز وجود نداشتند تا به آموزش و انتقال فرهنگ جدید به مردم بپردازند. در نتیجه، مدرسه جای بسیار مهمی بود، چون وظیفه‌ی تولید و بازتولید یا نقل و انتقال فرهنگ جدید و مدنیت مدرن را تماماً برعهده داشت. اکنون طی دهه‌های اخیر سه انقلاب بزرگ شامل انقلاب شهرنشینی، انقلاب رسانه‌ای و انقلاب آموزش عالی، جامعه‌ی ایران را کاملاً متحول کرده است. در این شرایط مدرسه دیگر معنای پیشین خود را از دست داده است.

امروزه حدود ۷۵ درصد جمعیت کشورمان شهرنشین است. این جمعیت تجربه‌ی حدود نیم قرن زندگی شهری را پشت سر گذاشته، و ارزش‌های شهری و زندگی شهری را فراگرفته و درونی کرده است. اکثریت مردم امروز ایران نه تنها سال‌هاست که شهرنشین شده‌اند و شیوه‌ی زندگی شهری را از راه زیستن در شهر و تجربه کردن مدرنیته‌ی شهری شده، به طور تجربی فرامی‌گیرند، بلکه در نتیجه‌ی توسعه‌ی آموزش عالی، بخش زیادی از مردم دارای تحصیلات شده‌اند. در عین حال انبوه شبکه‌های رادیویی، تلویزیونی، ماهواره‌ای و شبکه‌های مجازی به ارائه‌ی اطلاعات و آموزش فرهنگی مردم می‌پردازند. در این شرایط، عمدتاً رسانه‌ها و والدین مسئولیت تمدن‌آموزی به فرزندان نسل جدید را برعهده دارند و نه نهاد مدرسه. در آینده‌ی میان مدتی که اشاره کردیم - در ۵۰ سال آینده - به طور کامل این وظیفه از مدرسه گرفته خواهد شد. انقلاب رسانه و تحول خانواده به شدت عملکرد نظام مدرسه‌ای را از ابعاد متفاوت متأثر ساخته و بیش از این‌ها متأثر خواهند ساخت.

ادامه دارد

پی‌نوشت

1. antoethnography
2. disembedding
3. deinstitutionalization

۴. نگارنده تجربه مدرسه و تأثیرات فرهنگی آن بر خود را در کتابی با عنوان «فرهنگ و آموزش» به نحو مفصل بررسی کرده و توضیح داده‌ام این کتاب آماده‌ی انتشار می‌باشد.

۵. اصطلاح تمدن‌آموزی را از کتاب فرآیند تمدن‌آموزی «the civilizing priuise اثر نورمرت الیاس اقتباس کرده‌ام.

دوران پیشامدرن (گذشته‌ی دور)

- مکتب‌خانه‌ها
- آموزش مکانمند
- کارکرد آموزش محدود
- عرصه‌ی عمومی عرصه‌ی آموزش نبود
- فقدان رسانه‌ها



- نظام مدرسه‌ای جدید
- ورود دولت‌ها به آموزش
- آموزش مکانمند
- آموزش همگانی، همگن، الگومند، پایدار
- نهاد اجتماعی مهم



دوران مدرن (بعد از انقلاب صنعتی از ۱۸۰۰ تا ۱۹۵۰)

- نهادزدایی
- ناکارآمدی نظام مدرسه‌ای
- مدرک سالاری
- از دست دادن کارکرد اجتماعی
- نقش رسانه‌ها و والدین در آموزش



دوره‌ی پسامدرن، پسا صنعتی (حدود ۱۹۶۰ تا به حال)

اپیزود چهارم را

شما بنویسید

● محمد علی شامانی



رفتار من عادی است
اما نمی دانم چرا
این روزها
از دوستان و آشنایان
هرکس مرا می بیند
از دور می گوید:
این روزها
حال و هوای دیگری داری!

اما

من مثل هر روزم
با آن نشانی‌ها، با همان نام
با همان رفتار معمولی
مثل همیشه ساکت و آرام
این روزها تنها
حس می کنم کمی گنگم
گاهی کمی گیجم

حس می کنم
از روزهای پیش قدری بیشتر
این روزها را دوست دارم
حس می کنم، گاهی کمی کمتر
گاهی شدیداً بیشتر هستم
حتی اگر می شد بگویم
این روزها گاهی خدا را هم
یک جور دیگر می پرستم.
زننده یاد دکتر قیصر امین پور

اپیزود اول

نمی دانم چرا و به چه علتی آن نامه را نوشتم. همیشه علت‌های ناپیدایی در جهان هست که ما از فهم آن عاجزیم. راستش آن روز انگار دلم می خواست برای «دیگران» ی که نمی شناسمشان - و پیشتر با هم آشنا مییم - بنویسم. شاید این تنها دلیلی است که به خاطر دارم.

بعد هم مثل همیشه کنج اتاق نشستیم و در حالی که چای و خرما می خوردیم، آن نامه را نوشتیم: «برای ندیده‌هایم در قرن بیست و یکم». البته این ماجرا به حدود ۲۰ سال پیش برمی گردد. بعدها این نامه در مجله‌ی «همکلاسی» چاپ شد و مراحل کفن و دفن آن به سبک و سیاق خودمان - ما ایرانی‌ها - انجام گرفت.

اپیزود دوم

نگرانی از فراگیر شدن WWW ها و گسترش شبکه‌های عنکبوتی آن مرا وا داشت تا سرمقاله‌ای در رشد معلم بنویسیم و نگرانی‌هایم را از کلاس‌های بدون معلم آینده ابراز کنم. من از این که صدای پای تو - معلم - از کلاس دریغ شود، بیم‌ناکم. از این که زندگی‌ام مجازی شود، هراسناکم. از دنیای مجازی می ترسم. تربیت در دنیای مجازی چگونه خواهد بود؟ و بسیاری از حرف و حدیث‌ها که یادآوری‌شان چندان شاید موافق طبع شما نباشد.

و البته هنوز هم هزاران سؤال بی جواب دارم. مدرسه‌ی فردای من بدون معلم نیست و در مدرسه‌ی فردای من، هیچ رایانه‌ای جای معلم را نخواهد گرفت.

اپیزود سوم

و حالا این بنده‌ی ضعیف مسئول تولید نشریات رشد شده است و از آن حرف‌ها و نامه‌ها و سرمقاله‌های سالیانی می گذرد. سؤال‌های تازه‌ای دوباره در ذهنم رویده است: آیا با همین مدرسه‌های معمولی می توان فردای بهتری داشت؟ به «تافلر» و حرف‌هایم می اندیشم. «در زمانه‌ی پر آشوب و سرشار از تغییر و تحول امروز، تنها با مسلح شدن به روان‌شناسی آینده است که آموزش و پرورش می تواند با بازیبنی مقوله‌ی یادگیری، خونی تازه در رگ‌هایش جاری کند.»
آموختن برای فردا و در فردا با کدام الگو خواهد بود؟ آیا با همین سبک در سیاق خودمان، با همین هوش‌های چندگانه، با همین آموزش ناکام، با همین تربیت نصف و نیمه، ما در جهان آینده جایی خواهیم داشت؟
تغییرات پرشتاب آینده ذهن و خیالم را مشوش کرده است. آیا نباید به نیازهای دنیای رقابتی مدرن اندیشید، در حالی که بر باور خویش هوشمندانه ایستاده‌ایم؟
آیا به چالش‌های آموزش و پرورش در قرن آینده نباید فکر کنیم؟
آیا نیازهای فرزندانمان در آینده متفاوت از امروز نخواهد بود؟
آیا رهبران آموزشی آینده، نباید از نسل مردان فردا و مدرسه‌ی فرداها باشند؟
حالا لطفاً شما اپیزود چهارم را بنویسید : ...



موافق باشی یا مخالف، فقط

● محمد کرام‌الدینی
سردبیر فصل‌نامه رشد آموزش زیست‌شناسی

رایانه سبب افزایش فشردگی برنامه‌های درسی می‌شود. چون ذات کار با رایانه وقت‌گیر است. یکی از مناسب‌ترین موضوع‌ها برای آموزش مبتنی بر رایانه، علوم، به ویژه زیست‌شناسی است، اما می‌دانیم که نرم‌افزارهای موجود چندان که باید، متنوع، فراوان و کارساز نیستند. **موافق:** نرم‌افزارهای آموزشی ممکن است موضوع‌های درسی را با عمقی بیش‌تر از آن چه مرسوم است، به دانش‌آموزان ارائه دهند و نیز سبب دسترسی آنان به اطلاعات فوری و غیر حفظی شوند. از آن مهم‌تر، دانش‌آموزان به کمک آن‌ها می‌توانند، محتوای کتاب‌های درسی را که ایستا و خسته‌کننده است، واقعی‌تر و پویاتر یاد بگیرند. امتیاز دیگر نرم‌افزارها آن است که دانش‌آموز می‌تواند هر وقت و هر جا که بخواهد به کمک آن‌ها بیاموزد. ماهیت نرم‌افزارهای آموزشی به گونه‌ای است که دانش‌آموز در حال آموختن، از همه‌ی حواس خود استفاده می‌کند. محیط‌های آموزشی چند رسانه‌ای همه‌ی حواس دانش‌آموز را در یادگیری درگیر می‌کند.

مخالف: همان‌طور که گفتیم، تحقیقات

پاسخ‌هایی که افراد به این پرسش می‌دهند، می‌تواند دو دیدگاه موافق و مخالف یافت: «آری» و «خیر» اما ببینیم این مخالفان و موافقان، هر یک چه استدلال‌هایی ممکن است، داشته باشند:

موافق: رایانه ابزاری جذاب است. دانش‌آموزان آن را می‌پذیرند و از کارکردن با آن استقبال می‌کنند. بنابراین، دست‌درکاران آموزش می‌توانند آن را آگاهانه، در جهت یادگیری فعال و کاوشگرانه به عرصه‌ی آموزش وارد کنند. بیشتر نرم‌افزارهای آموزشی نیز دقیق، تفکر برانگیز، جالب و جذاب‌اند و دانش‌آموزان آن‌ها را دوست دارند. به علاوه، دنیا به عصر دیجیتال وارد شده و سرمایه‌گذاری روی این ابزار به طور روز افزون در حال افزایش است.

مخالف: شمار پژوهش‌هایی که در زمینه‌ی کاربرد رایانه در یادگیری انجام‌شده، بسیار اندک است. هیچ‌یک از پژوهشگران هنوز به این نتیجه قطعی نرسیده است که به راستی رایانه در تحقق اهداف آموزشی مؤثر است فقط فرض بر این است که آموزش مبتنی بر رایانه، بر آموزش سنتی برتری دارد.

موافق باشیم یا مخالف، فرقی نمی‌کند. قطار آموزش در حال حرکت شتابان به درون جهانی است که آن را دنیای «دیجیتال» می‌نامیم؛ جهانی که در آن معلم و دانش‌آموز، هر دو هنگام یاددهی و یادگیری روی پیوند (هایپرلینک)ها کلیک می‌کنند، به پایگاه‌های اینترنتی سر می‌زنند، فیلم مشاهده می‌کنند، پویانمایی‌ها و برنامه‌های شبیه‌سازی شده را نگاه می‌کنند، پرونده (فایل)های صوتی را می‌گشایند، داده‌ها و اطلاعات دریافت می‌کنند، مطالب و تصویرها را چاپ می‌کنند و پیام ارسال یا دریافت می‌کنند. شاید بتوان آن شعاع جهان دیجیتال را که: «من و تو فقط یک کلیک از هم فاصله داریم»، در کلاس‌های درس دنیای جدید محقق یافت.

در این میان، کسانی که درباره‌ی این جهان مجازی، لختی تأمل می‌کنند، ممکن است پرسشی اساسی رو به روی خود بیابند: آیا به راستی وجود رایانه در کلاس درس راه را برای رسیدن به مدینه‌ی فاضله‌ی یادگیری که در آن یادگیری آسان، سریع و عمیق حاصل خواهد شد، هموارتر می‌کند؟ در دو سوی رنگین کمان

یک کلیک

با هم فاصله داریم...

چندانی درباره‌ی اثر رایانه بر یادگیری انجام نشده است. دست در کاران آموزش به ندرت پرسیده‌اند که آیا رایانه از برنامه‌های درسی پشتیبانی می‌کند یا خیر. آنان فرض می‌گیرند که آموزش مبتنی بر رایانه، بر روش‌های سنتی برتری دارد و سپس برنامه‌ی درسی را فشرده و مترکم می‌کنند تا هر طور که شده، جایی برای رایانه در کلاس‌ها باز کنند. گفتم که شاید کلاس‌های آموزش علوم بهترین میدان برای کاربرد رایانه باشند، اما حتی در کلاس‌های علوم هم از رایانه به گونه‌ای استفاده می‌شود که خلاقیت را بر نمی‌انگیزد. نرم‌افزارهای آموزشی، یادگیری را به سطح موانعی برای پریدن از روی آن‌ها پایین می‌آورند. به طوری که اگر دانش‌آموز بتواند پاسخ درست را پیدا و روی آن کلیک کند، جایزه می‌گیرد! چنین رویکردی نه تنها باعث ارتقای یادگیری نمی‌شود، بلکه آن را تنزل هم می‌دهد.

موافق: نرم‌افزارهای آموزشی می‌توانند دانش‌آموزان را برانگیزانند تا آنان به تحقیق عمیق‌تر درباره‌ی موضوع‌های درسی بپردازند، چون اطلاعاتی فوری و

قابل کنترل را که به شکل‌های جالب و غیرمعمول ارائه شده‌اند، در دسترس آنان قرار می‌دهد. از آن مهم‌تر، نرم‌افزار مناسب می‌تواند تجربه‌های آموزشی واقع‌گراتر، به خاطر سپردنی‌تر و پویاتری نسبت به کتاب درسی و معلم را در اختیار دانش‌آموز قرار دهد. یک مزیت دیگر هم آن است که دانش‌آموز می‌تواند هر وقت و هر جا به رایانه دسترسی داشته باشد،

**نرم‌افزارهای آموزشی،
یادگیری را به سطح
موانعی برای پریدن
از روی آن‌ها پایین
می‌آورند. به طوری که
اگر دانش‌آموز بتواند
پاسخ درست را پیدا
و روی آن کلیک کند،
جایزه می‌گیرد**

از تجربه‌های جالب و متنوع یادگیری استفاده کند. آموزش چند رسانه‌ای بر خلاف یادگیری سنتی به سبک‌های گوناگون یادگیری که در دانش‌آموزان مختلف وجود دارد، توجه می‌کند. نرم‌افزارهای مناسب، محیط‌های غنی،

جالب و ترغیب‌کننده برای پژوهش و یادگیری مفاهیم و محتوا فراهم می‌کنند. دانش‌آموزان به جای نشستن و نگاه کردن به متن و تصویرهای کتاب، مشاهده می‌کنند، گوش می‌دهند، دست‌ورزی و تحقیق می‌کنند.

مخالف: بسیاری از دست‌درکاران آموزش اعتقاد دارند که مدت زمان تمرکز جوانان، به علت استفاده‌ی بیش از حد از تلویزیون، کوتاه‌تر شده است. آنان به همین علت محیط‌های چند رسانه‌ای را خطر دیگری برای آموزش می‌بینند. به علاوه، محیط‌های چند رسانه‌ای با ایجاد خشنودی فردی، با تفکر و تجزیه و تحلیل علمی و منطقی سر و کار ندارند. مثلاً مدت دگردیسی جانوران یا رشد گیاهان را در نمایشی چند ثانیه‌ای خلاصه و کوتاه می‌کنند. این؛ تصویری غیرواقعی از جهان برای آنان ایجاد می‌کند.

موافق: آموزش مبتنی بر رایانه برای معلمان امتیازهایی در پی دارد. مثلاً می‌تواند محیطی برای یادگیری به وجود آورد که در آن معلم نقش راهنما دارد. رایانه به دانش‌آموزان کمک می‌کند





تا خودآموزی را تقویت کنند؛ یعنی مسئولیت یادگیری را خود بر عهده گیرند و آن را هدایت کنند. علاوه بر این‌ها، آموزش مبتنی بر رایانه می‌تواند به کار معلم انعطاف بدهد، به طوری که یادگیری فردی را هم با توجه به تفاوت‌های دانش‌آموزان با یک‌دیگر در نظر گیرد.

مخالف: فناوری مشکلات ویژه‌ی خود را دارد. کار با رایانه وقت‌گیر است. دانش‌آموزان به جای باز کردن کتاب که چند ثانیه بیش‌تر طول نمی‌کشد، باید چند دقیقه برای بالا آمدن ویندوز صبر کنند. اگر اشکالی فنی در کار بروز کند، طرح درس و روند آموزش به تأخیر می‌افتد. می‌دانیم که تأخیر ۱۵ دقیقه‌ای، اعتبار طرح درس را از بین می‌برد. از همه مهم‌تر آموزش مبتنی بر رایانه، رابطه‌ی عاطفی میان دانش‌آموز و معلم را که تاکنون از اهمیت فراوان برخوردار بوده است، ضعیف می‌کند.

موافق: با توجه به رشد فزاینده‌ی علم، دانش‌آموزان در آینده‌ی نزدیک دیگر نخواهند توانست کتاب‌های درسی

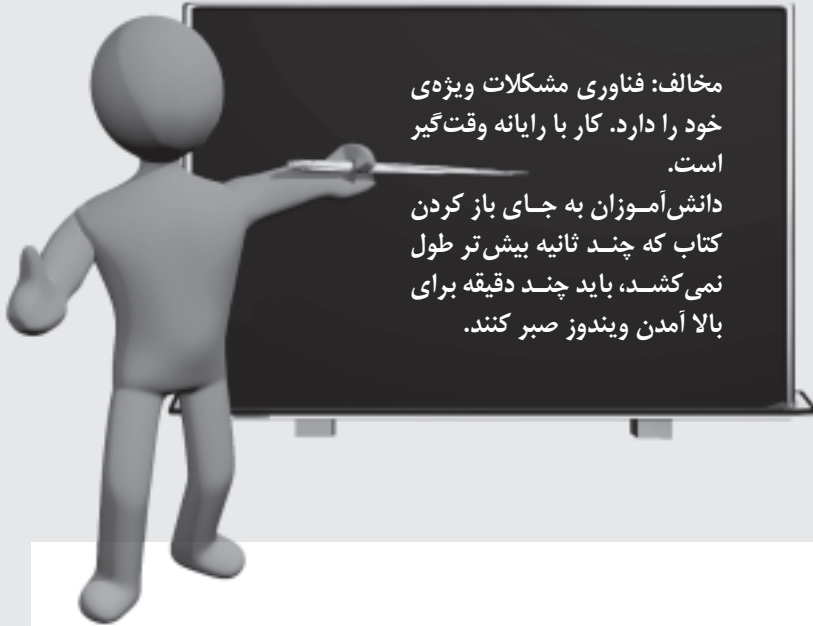
سنگین و پر حجم و محتوا را هر روز از خانه تا مدرسه حمل کنند، اما رایانه‌های قابل حمل می‌توانند میلیاردها صفحه مطلب، هزاران عکس، ده‌ها ساعت فیلم و مقادیر فراوانی مواد آموزشی دیگر را در خود حفظ کنند. مدتی است

کدام کتاب درسی می‌تواند صداهایی را که در جنگل‌های بارانی استوایی شنیده می‌شود، به گوش دانش‌آموزان برساند؟ کدام کتاب درسی می‌تواند امکان گفت و گوی مستقیم دانش‌آموزان را با دانشمندان و پژوهشگران علم فراهم کند؟

آموزش از راه دور با کمک رایانه در حال قوت گرفتن است. این نوع آموزش فرصت‌های آموزشی برابر را در اختیار

همگان قرار می‌دهد. امروزه کلاس‌های مجازی را همه جا می‌توان دایر کرد. آزمایشگاه‌های مجازی، نمایشگاه‌های مجازی، کتاب‌خانه‌های مجازی همگی در این راه به کار گرفته می‌شوند. اگر مدرسه از نظر فضا و امکانات جهان واقعی در مضیقه است، می‌توان از جهان مجازی استفاده و این کمبود را با آن جبران کرد. در دنیای رایانه، مواد آموزشی خارج از رده را می‌توان به آسانی از دست‌رس خارج کرد و مواد نوین را جانشین آن‌ها کرد. همه‌ی این‌ها که با کمک رایانه انجام می‌شوند، در خدمت ارتقای کیفیت آموزشی هستند.

مخالف: شما ادعا می‌کنید که رادیوی آموزشی، تلویزیون آموزشی و مانند آن‌ها باعث ارتقای آموزش شده است، اما غافل هستید که آموزش از راه دور که با کمک این ابزارها انجام می‌شود؛ آموزش سنتی برابر نیست. در آموزش از راه دور، رابطه‌ی انسانی معلم با دانش‌آموزان که اهمیت فراوان دارد، برقرار نمی‌شود. به علاوه، بسیاری از معلمان از عهده‌ی کار با رایانه آن طور که باید و شاید، بر نمی‌آیند.



موافق: شما آدمی «ضدفناوری» هستید و می‌خواهید نمایشگر رایانه را که محصول پیشرفت‌های علوم و فناوری است، با پتک خرد کنید. همه‌ی این فناوری‌ها برای بهینه کردن کار ساخته شده‌اند و می‌توانند از من، معلمی بهتر و از دانش‌آموزانم دانش‌آموزانی موفق‌تر بسازند. پژوهش‌های دراز مدت نشان می‌دهند که یادگیری با رایانه بهتر انجام می‌شود، چون مهارت‌های تفکر را بالاتر می‌برد. اینترنت، دانش‌آموزان و معلمان را در محیطی جالب و تفریحی قرار می‌دهد و به آنان اطلاع‌رسانی می‌کند.

مخالف: شما «فناوری‌زده»‌ها که ما را «ضدفناوری» خطاب می‌کنید، اسباب‌بازی‌هایتان را خیلی دوست دارید. نه! لازم نیست من آن‌ها را خرد کنم، همه‌شان شش‌ماه بعد از رده خارج می‌شوند. «ضدفناوری» ناسزا نیست. افراد ضدفناوری می‌دانند که فناوری نامناسب می‌تواند اثرهای نامطلوبی بر جامعه بگذارد. **موافق:** معلمی که به فضای فیزیکی کلاس درس خود محدود نیست و مثلاً در جنگل‌های بارانی استوایی، درسی

را به شیوه‌ی تعاملی درباره‌ی تنوع زیستی ارائه می‌دهد و بسیاری از کسان از راه‌های دور، از درس او بهره‌مند می‌شوند، چه اثر نامطلوبی ممکن است، بر جامعه‌ی آموزشی بگذارند؟ تازه معلمان می‌توانند، برای کمک به دانش‌آموزان با رایانه انواعی از ابزارهای آموزشی، مانند پویانمایی، ویدئو، صوت، تصویر و فرا متن تهیه کنند. یادگیری در جهان سایبر می‌تواند انفرادی، دانش‌آموز محور، به روش همیاری، مؤثر و بهینه باشد.

مخالف: بگذار چند تا از اصطلاحاتی را که به کار بر دید، شرح دهم. «دانش‌آموز محور» و «مشارکتی»، یعنی این که دانش‌آموزان، خود بدون معلم یاد می‌گیرند. «یادگیری بهینه»، یعنی یادگیری جواب سؤال‌هایی که در اختیار دانش‌آموزان مان را ساعت‌ها جلوی رایانه‌ها «پارک کنیم» و خودمان به کارهای دیگرمان، مثلاً تصحیح برگه‌های آزمون‌ها بپردازیم. فراوانی منابع اینترنتی نه تنها مفید نیست، بلکه گمراه کننده است. در واقع یکی از عیب‌های کتاب‌های درسی این

است که انبوهی از مطالب را بر سر دانش‌آموزان می‌ریزد. اگر دانش‌آموز را وادار کنیم که با وب‌گردی به جست و جوی اطلاعات علمی بپردازد، مشکل نه تنها حل نمی‌شود، بلکه بزرگ‌تر می‌شود. دانش‌آموزان پایگاه‌های اینترنتی قابل اعتماد را نمی‌شناسند.

می‌دانیم که در وب اطلاعات غلط، گمراه کننده و خارج از رده فراوان است. **موافق:** رایانه می‌تواند با در اختیار گذاشتن منابع اطلاعاتی سریع و ارزان باعث پیشرفت یادگیری شود. کدام کتاب درسی می‌تواند صداهایی را که در جنگل‌های بارانی استوایی شنیده می‌شود، به گوش دانش‌آموزان برساند؟ کدام کتاب درسی می‌تواند امکان گفت و گوی مستقیم دانش‌آموزان را با دانشمندان و پژوهشگران علم فراهم کند؟ دنیای آنالوگ را فراموش کن! عصر دیجیتال فرا رسیده است!

موافق باشیم یا مخالف، فرقی نمی‌کند. قطار آموزش در حال حرکت شتابان به درون جهانی است که آن را دنیای «دیجیتال» می‌نامیم.

سایت‌های با مرام

● رویا صدر

در راستا و درازای نظرات خوانندگان «رشد مدرسه فردا»

در پی انتشار شش دوره از «رشد مدرسه فردا»، خبرنگاران ما به میان اقشار مختلف مردم رفتند و در مورد این نشریه از آن‌ها سؤال کردند. آن چه می‌خوانید، فرازهای مهمی از نظرات این عزیزان است که به سمع و نظر شما می‌رسد:

شما بیشتر کدام مطالب مجله را می‌خوانید؟

من تمام مطالب مجله را به دقت و سطر به سطر و کلمه به کلمه مطالعه می‌کنم.

چه خوب، شغل شما؟!


بنده ویراستار مجله هستم...

نظر شما در زمینه‌ی مطالب مجله چیست؟

روان شناس: صفحات طنزش خوب است، کار دیاگرام را می‌کند. به کسانی که دپرشن دارند، خواندن طنزش توصیه نمی‌شود. چون این حالت را تشدید می‌کند...

متخصصین تغذیه: خوراک فکری خوبی برای مخاطب فراهم می‌کند. فقط ممکن است برای

بعضی هضمش قدری مشکل باشد. به این عزیزان توصیه می‌شود، از نشریات با برگ‌های زرد استفاده کنند، و مطالب را در دفعات



متعدد و با حجم کم استفاده کنند و در ذهنشان خوب آن‌ها را بپزند.

خانم خانه‌دار: قطعش مناسب نیست. چون سبزی از دور و برش می‌ریزد بیرون، فرش را کنیف می‌کند. از مقامات مسئول خواهش می‌کنیم توجه کنند و قطعش را لاقطل چهار پنج برابر بزرگ‌تر کنند.

کارشناس: مجله‌ی خوبی نیست. اصلاً خواندن ندارد. مطلب این جانب را چاپ نکرد و گفت ضعیف است. در حالی که مطلب مذکور، جا داشت که برنده‌ی جایزه‌ی نوبل بشود...

معلم علاقه‌مند در خارج از مرکز: این جانب مطالب مجله‌ی رشد مدرسه فردا را با علاقه دنبال می‌کنم و اطلاعات خوب و مفیدی از آن به دست می‌آورم که به دردِ رشدِ همان مدرسه‌ی فردا می‌خورد. چون ما در مدرسه‌ی امروز چنین امکاناتی اعم از رایانه و یارانه نداریم که در اختیار بچه‌ها قرار دهیم و مجله، خیلی خواندنی است.

دانش‌آموز: نشریه‌ی خیلی مفیدی است. بهتر است تمام صفحات آن را به معرفی سی‌دی بازی‌های مفید اختصاص دهید تا سطح دانش مدرسه‌های فردا رشد کند و تا آسمان هفتم برود هم چنین، سایت‌های مفید و بامرام (از جهت کپی پیست شدن مطالب برای تحقیقات درسی) را معرفی کنید.

مسئول مدرسه‌ی خیلی مسئول: مجله‌ی رشد مدرسه‌ی فردا بهتر است از بحث‌های نظری دوری کند و به بحث‌های عملی، از قبیل چگونگی بایگانی کردن رایانه در دفتر مدرسه، چگونگی گردگیری درست و اصولی آن، و شیوه‌های حفاظتی از رایانه برای جلوگیری از هجوم دانش‌آموزان بپردازد.

● ثمانه ابروانی
کارشناس ارشد معماری

قلب آموزش محله

اشاره

در این شماره ما به مناسبت پنجاهمین شماره نشریه به مفهوم «مدرسه فردا» پرداخته‌ایم. در مقاله حاضر نویسنده محترم از منظر یک معمار، به ویژگی‌های مدرسه فردا اشاره کرده است. که با یکی از اصول دهگانه‌ی سند تحول راهبردی آموزش و پرورش، یعنی تبدیل کردن نقش مدرسه به کانون‌های توسعه، محلی در آینده، هم‌خوانی دارد. مقاله را در پی می‌آوریم.

سرآغاز

این عنوانی است که همواره فکر متخصصین و دست‌اندرکاران حوزه‌ی تعلیم و تربیت و البته طراحان مدارس را به خود مشغول کرده است. طراحی مدرسه‌ای برای فردا، یعنی طراحی مدرسه‌ای برای آینده‌ای که ممکن است ما برنامه‌ریزان آن را نبینیم و فقط آن را برای نسل بعدی مان آماده کنیم. تصور کنید، دوران تحصیل بچه‌هایی که سال آینده به مدرسه می‌روند، یعنی سال ۱۳۹۰، به طور متوسط ۱۸ تا ۲۰ سال طول می‌کشد و اگر مستقیماً وارد محیط کار شوند، ۳۰ سال پس از آن بازنشسته می‌شوند. ما برای فرزندانی داریم برنامه‌ریزی می‌کنیم که ۲۰ سال دیگر وارد محیط کار می‌شوند.

آیا با این سرعت فزاینده‌ی تغییرات که در دوران ما، در زمینه‌های علمی و روش‌های تدریس و یادگیری به وجود آمده است، ما می‌توانیم برای آینده‌ی مدرسه برنامه‌ریزی کنیم؟ یا مدرسه‌ای برای فردا طراحی کنیم؟ آموزش و پرورش، همیشه دچار نوعی عقب افتادن از برخی نهادهای رسانه‌ای و یا مکان‌های جذاب برای کودکان و نوجوانان است. آیا یاد گرفتن از تلویزیون و اینترنت و جذابیت آن‌ها نسبت به فضای مدرسه، همیشه زبانزد دانش‌آموزان نیست؟ آیا مدرسه

دچار نوعی رخوت نشده است؟ آیا به واسطه‌ی این تنبلی و عقب افتادگی مدرسه و نهادهای آموزشی، مقبولیت آن‌ها از چشم دانش‌آموزان رخت نبسته است؟

میل رفتن به مدرسه و ماندن در آن جا، به فراخور بزرگ‌تر شدن دانش‌آموز کمتر می‌شود. چرا این‌گونه است؟ چرا مدارس در برآوردن نیازهای روحی و آموزشی دانش‌آموزان کمی عقب‌تر از سایر نهادها حرکت می‌کنند و چرا نیازهایی که برای دانش‌آموزان خود برنامه‌ریزی می‌کنیم، کمی از نیازهای نسل خودشان کهنه‌تر و فرسوده‌تر هستند؟ آیا برنامه‌ریزی برای نسل آینده و یا برنامه‌ریزی برای مدرسه‌ی فردا، ما را دچار این دور باطل نمی‌کند؟ برای جلوگیری از اشتباهات مکرر در ساخت مدارس و برنامه‌ریزی در حوزه‌ی آموزشی، ما به بررسی موارد مشابه در کشورهای پیشرفته و هم‌چنین بررسی مدارس قدیم و روش‌های تدریس آن زمان نیاز داریم تا با شناخت کافی حداقل بتوانیم از خطاهای بزرگ‌تر جلوگیری کنیم.

پیوند با محل / جامعه

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، مدرسه‌ای می‌تواند برای فردا نقش مؤثری ایفا کند که برای تمام اعضای محله، فعالیت‌های متنوعی را تدارک و برنامه‌ریزی کرده باشد. آن‌چه که امروز در مدارس ما ابداً وجود ندارد، پیوند مدرسه با محله و یا جامعه‌ای است که در آن قرار دارد. مدارس باید بخشی از فعالیت‌های خود را با ساکنان محله‌ی خود که شامل خود بچه‌ها، پدر و مادر آن‌ها و اعضای محله است، انجام دهند. شاید مواردی هم‌چون بازدید از مکان‌های دیدنی، کتاب‌خانه‌ها و یا مراکز فرهنگی را نوعی پیوند با محله بدانیم و گمان کنیم که مدارس کنونی نیز این پیوند را دارند. اما واقعاً معنای پیوند این‌گونه نیست. برای



فهم بهتر مثالی می آورم.

برای حل مشکلات محله از بچه‌ها کمک بخواهند و بچه‌ها در این مسیر به نوعی مسئولیت‌پذیر شوند. این گونه است که مدرسه مکانی دنج و در عین حال فعال برای ساکنان محله شود.

در شهرها در زمان‌های قدیم‌تر (و یا حتی در روستاهای کنونی مردم بخشی از اوقات فراغت خود را در نقاطی که مثلاً آفتاب خوبی داشته، مظهر قنات بوده، و یا به مراکز خرید و فروش نزدیک بوده است، سپری می‌کردند و فضاهای پاتوقی مناسبی را با بقیه‌ی افراد به وجود می‌آوردند. به عبارت دیگر، دیدارها و ملاقات‌های صمیمی و اجتماعی خود را در مکان‌های خاصی از محله برگزار می‌کردند. این مکان‌ها می‌توانست در طول سال جایگاه ثابتی داشته باشد و یا متناسب با فصول سال نیز جایش تغییر کند. مثلاً در جاهای سرد در مکان‌ها

و فضای بسته‌تر، و در فصول گرم سال نیز در مکان‌های خنک‌تر و با سایه. به این مکان‌ها قلب اجتماعی یک محله نیز می‌گویند. قلبی که متعلق به تمامی اعضای محله است، بی‌آن که محدودیت‌های زیاد آن باعث شود که رغبت افراد محله به آمدن به آن‌جا کم شود.

وقتی می‌گوییم مدرسه باید با محله و محیط اطراف خود ارتباط صمیمی و پیوند

دوباره برقرار کند، بدین معنی است که باید قادر باشد به ساکنان محله خدمتی بدهد. تصور کنید در بخشی از سال، والدین با اعضای محله به مدرسه بیایند و نمایش بچه‌ها را ببینند. والدین برای دیگر اعضای محله در مدرسه کلاس‌های آموزشی برگزار کنند. ساکنان محله بتوانند ساعاتی را در مدرسه باشند، گپی بزنند و از مشکلات، کارها و حتی از فعالیت‌های شغلی خود در آن‌جا برای یکدیگر بگویند و یا بخشی از فعالیت خود را به جوانان و ساکنان محله بسپارند. یا در یکی از سالن‌های آن،

مدرسه، قلب آموزش محله

وقتی می‌گوییم مدرسه قلب آموزش محله است، یعنی کتابخانه‌ی مدرسه مال همه برای هر سنی و در هر زمانی است. با ساختار فعلی مدارس ما، این کار بسیار سخت و یا نشدنی است. متأسفانه در برنامه‌ریزی‌های شهرسازی و ساختار محله‌ای و

حتی معماری مکرر، به طرح‌هایی برمی‌خوریم که مدام در یک محله تکرار می‌شوند، بی‌آن‌که کارایی لازم را داشته باشند. ما برای یک بافت مسکونی، کتابخانه، مراکز فرهنگی، کانون‌های پرورش فکری، یا انجمن‌های علمی تأسیس می‌کنیم که فقط برای ساعاتی در روز فعالیت دارند. حال آن‌که در همین مناطق، فرضاً ۲۰ یا ۳۰ مدرسه نیز وجود دارند که در اکثر ایام تابستان تعطیل

هستند و یا فعالیت بسیار مختصری برای بچه‌ها دارند و فقط ۹ ماه از سال راه آن هم به صورت نیمه وقت کار می‌کنند. از این گذشته، بودجه‌های مدرسه کفاف نمی‌دهد که کتابخانه‌های بسیار مجهزی داشته باشد. و فقط به تأمین بخشی از کتاب‌ها که مربوط به طیف سنی خاصی است، بسنده می‌کند. این در حالی است که بخشی زیادی از کارهای فرهنگی آموزشی محله را می‌توان در مدارس انجام داد و بسیاری افراد، حتی افراد مسن، می‌توانند وارد مدرسه شوند و از کتابخانه و دیگر

**مدرسه ای می‌تواند
برای فردا نقش مؤثری
ایفا کند که برای
تمام اعضای محله،
فعالیت‌های متنوعی را
تدارک و برنامه‌ریزی
کرده باشد**



امکانات آموزشی آن استفاده کنند. البته این کار برای مدرسه سود اقتصادی در بر خواهد داشت و مدرسه می‌تواند بخشی از هزینه‌های خود را نیز این‌گونه تأمین کند. از مکان مدرسه می‌توان برای ارائه‌ی آموزش‌های مورد نیاز محله استفاده کرد و نهادهایی چون شهرداری یا پلیس، می‌توانند از مدرسه و کتابخانه‌ی آن به عنوان قلب آموزشی محله بهره بگیرند. البته این مهم نیازمند بازنگری جدی در طراحی معماری مدرسه است و باید فضاهایی به مدرسه اضافه شود، یا بخشی از آن برای عموم و بخشی فقط برای دانش‌آموزان باز باشد.

استفاده حداکثری از اینترنت فراگیر

امروزه فناوری IT تأثیر بسیار زیادی در تحول روی روش‌های زندگی، آموزش، کار و بازی گذاشته است. سهم مدارس ما از IT چیست؟ آیا سهم ما از این فناوری به چند رایانه و یک اتاق و یا یکی دو لپ‌تاپ در اتاق مدیران و معلمان محدود است؟ اغلب بچه‌های ما امروزه در منازل خود رایانه دارند و می‌توانند هر نوع اطلاعاتی را که مایل‌اند، به هر زبانی در دنیا تحقیق و مطالعه کنند به دست آورند و از انواع اخبار و تحلیل‌ها در دنیا با خبر شوند. آیا سهم این بچه‌ها در مدارس فقط محدود به رایانه‌هایی است که در اتاقی حبس شده‌اند و هفته‌ای دو یا سه ساعت اجازه‌ی کار کردن با آن‌ها را دارند؟ رایانه‌هایی که نه به اینترنت متصل هستند و نه سیستم‌های به روزی دارند.

متأسفانه زمانی که این مشکل را با مدیران مدارس مطرح می‌کنیم، کمبود بودجه را مطرح می‌کنند. اما من مدارس زیادی را در تهران دیده‌ام که با وجود داشتن اینترنت پرسرعت، بچه‌ها اجازه ندارند از آن استفاده کنند و این فقط با اجازه‌ی معلم میسر است. هم‌چنین، اتاق‌هایی داریم که رایانه‌ها در آن‌ها محبوس است. (لازم به ذکر است که بسیاری از مدارس در شهرستان‌ها هنوز اینترنت ندارند و یا مشکلات نظیر شهرهای بزرگ را نیز دارا هستند). طراحی معماری مدرسه‌ی فردا زمانی موفق است که درهای اتاق‌ها را بشکند، رایانه‌ها را در راهروهای بسیار زیبا و عریض بچیند و اجازه دهد که بچه‌ها از این نعمت استفاده ببرند. بتوانند به کتابخانه‌های روز دنیا متصل شوند و با دنیای بیرون آشنایی

پیدا کنند.

این نکته را نیز همیشه باید بگوییم که با مدیریت صحیح مدرسه و کادر آن، می‌توان از استفاده‌ی نامناسب از اینترنت و رایانه بکاهد و بچه‌ها را علاوه بر به روز نگه‌داشتن در دنیای اطلاعات، به ورزش و تمرینات بدنی نیز ترغیب نمود. از طرف دیگر، اگر مدرسه‌ی فردا در خدمت محله باشد، می‌توان در خیال خود پدر یا مادری را تجسم کرد که به مدرسه آمده‌اند و کودک کنجکاویشان، به آن‌ها طرز کار کردن با رایانه را یاد می‌دهد. یعنی بخشی از پیوند محله با مدرسه، از طریق دانش‌آموزان کوچک و به وسیله‌ی این فناوری میسر می‌شود. چرا که اگر اجازه‌ی استفاده از این امکانات را به ساکنان محله ندهیم، دیر یا زود رایانه‌های موجود قبل از این که فرسوده شوند، بسیار قدیمی می‌شوند و شما برای کار با آن‌ها، مجبورید نسخه‌های جدیدتر را تهیه کنید، بی‌آن‌که از نسخه‌های قبلی استفاده‌ی حداکثری برده باشید.

با تمام این‌ها، من به عنوان طراح مدرسه و معمار به این نتیجه می‌رسم که اگر مدرسه با ساختار و فرم معماری کنونی بخواهد به کار خود ادامه دهد، مطمئناً نمی‌تواند برای سال‌های بعد و برای مدرسه‌ی فردا و آینده‌ی کودکانمان، حرفی برای گفتن داشته باشد و نظام آموزشی ما هم چنان منفعل و از کار افتاده خواهد بود.

اگر مدرسه‌ای بخواهد پذیرای مردم محله‌اش باشد. به آن‌ها نیز آموزش دهد، از صبح تا پاسی از شب باز باشد و به عنوان قلب یک مجموعه بتپد، باید توان معماری بالایی داشته باشد. این نه به معنی مجلل بودن ساختمان مدرسه، بلکه به معنی پاسخ‌گویی آن به نیازهای آینده است. بدین معنی که مدرسه به همه‌ی سنین تعلق دارد، نه فقط به بچه‌ها. در این صورت، شما احساس «امنیتی» را به مدرسه اضافه می‌کنید که با هیچ قفل و کلید، دروازه‌ی بزرگ و سنگین، و دوربین مدار بسته‌ای پدید نمی‌آید. با این پیوند محله با مدرسه، به بچه‌ها اطمینان می‌دهید که مدرسه دیگر «فضای ترسناک» برای کودکانی که تازه به مدرسه می‌روند، نیست. مدرسه‌ای شکل می‌گیرد که ساکنان محله آن را جزیی از محله می‌دانند و نه بخشی از آن.

مدرسه به همه‌ی سنین تعلق دارد، نه فقط به بچه‌ها. در این صورت، شما احساس «امنیتی» را به مدرسه اضافه می‌کنید که با هیچ قفل و کلید، دروازه‌ی بزرگ و سنگین، و دوربین مدار بسته‌ای پدید نمی‌آید

گزارش از کارگاه آموزشی اینترنت به آموزگاران مقطع ابتدایی شهرستان ارومیه

بوپوروز

اینترنت پرسرعت

● شیبیا ملک

جمعه ۸ مرداد صبح زود

- وای چه قدر نمک! ترکیب سفید و آبی و چین و چروک‌های قهوه‌ای و کرم رنگ!

از آن بالا با دیدن این رنگ‌ها فهمیدیم که به ارومیه خیلی نزدیک شده‌ایم؛ شهری که از دریاچه‌ی معروفش بیشتر نمک باقی‌مانده و خشکی‌هایی که از میان مخلوط آب و نمک، مجال خودنمایی یافته‌اند.

ساعت ۶ صبح جمعه، آن هم در یک روز تابستان، همه باید خواب باشند. اما در آن هوای ملایم فرودگاه ارومیه. دو معلم پرانرژی آذری، مدت‌هاست که در انتظار ما ایستاده‌اند. ما، یعنی من و خانم پورمحمد که برای تهیه‌ی گزارش به ارومیه آمده‌ایم.

همان صبح زود، میزبانان پرانرژی و ورزشکارمان، آقای مقصود رزم‌آرا و علی‌رضا گلبازی، ما را به تماشای طبیعت زیبای اطراف ارومیه بردند. ارتفاعاتی مشرف بر شهر که انبوه جمعیت ورزشکار در آن موج می‌زد. از

همان موقع فهمیدیم که برای همکاران آذری ما، تعطیلی و تابستان معنا ندارد و خودمان را برای چند روز پر تلاش آماده کردیم.

اولین کارگاه آموزش اینترنت قرار بود دو روز دیگر در این شهر بر پا شود و ما میهمان برگزارکنندگان کارگاه بودیم.

شنبه ۹ مرداد صبح زود

مجله‌ها هنوز نرسیده‌اند. و ما نگران که چه کنیم. قرار است مجله را معرفی کنیم. آیا بدون حضور خود مجله، می‌شود آن را معرفی کرد؟! از خلاقیت معلمی خود بهره می‌گیریم و دست به کار تهیه‌ی پوستر می‌شویم.

پس از بازدید از کلیسای تاریخی و زیبای «ننه‌مریم»، در مرکز شهر، از روی جلد چند شماره از مجله که همراهمان بود، کپی رنگی می‌گیریم، چند مقوای رنگی و چسب و ماژیک تهیه می‌کنیم. در اتاق ۱۰۷ باشگاه فرهنگیان، یکی از کارهایی را که بارها دانش‌آموزانمان در کلاس درس انجام داده‌اند، تجربه می‌کنیم. چند پوستر تبلیغی برای

مجله‌مان تدارک می‌بینیم. مغرور اثر هنری خود، چند عکس از آن می‌گیریم!

ساعت ۸ شب

آخرین جلسه‌ی هماهنگی کارگاه آموزشی برگزار می‌شود و ما هم دعوت داریم. پرس و جوکنان محل جلسه را پیدا می‌کنیم.

این‌جا انگار نه انگار تعطیلات تابستان است. همه‌ی معلم‌ها مشغول کارند. آقای رزم‌آرا، آقای مهردار و خانم وهاب‌زاده، همگی در تدارک جلسه‌ای هستند که خود برگزارکنندگان آن مطمئن نیستند چند میهمان دارند؟ آن‌ها با ارسال پیامک همه‌ی معلمان ابتدایی شهرشان را به کارگاه آموزشی اینترنت دعوت کرده‌اند؛ کارگاهی که قرار است فردا تشکیل شود، با مهمانانی که بدون بخش‌نامه و ابلاغ، تنها با دریافت پیامک دوستانشان قرار است در آن حضور یابند.

آقای مهردار ما را در جریان شکل‌گیری همایش قرار می‌دهد. جمع آن‌ها تشکلی غیردولتی است از معلمان علاقه‌مند که دوست دارند، اینترنت برای

در زمهری اولین شرکت کنندگان باشیم. پوسترهایمان را هم آورده‌ایم تا بر دیوار نصب شوند. نگرانیم که نکند کسی نیاید. ساعتی تا شروع برگزاری کارگاه باقی مانده است.

اما، چه خبر است؟! این زنان و مردان مهربان و خوش‌رو بدون دعوت رسمی فقط با دریافت پیامک که از راه نرسیده، «یورولمایین» گویان به سراغ کارهای نیمه‌کاره می‌روند تا کاری بر زمین نماند، معلمان کدام کودکان خوشبختی هستند؟ آن‌هایی که تا از در وارد می‌شوند، بدون کمترین سؤال، کارتن‌هایی را که روی زمین مانده‌اند، جا به جا می‌کنند، پوستر نیمه‌افراشته‌ی ما را بر پا می‌دارند، کاغذهای نظرخواهی را در پوشه‌ها جا می‌دهند، دم در دوستان را راهنمایی می‌کنند، و... آن‌ها که معلمی‌شان تعطیلی بردار نیست.

ما حیرت‌زده به جمعیت می‌نگریم. من با تلفن همراه مرتب عکس می‌اندام. اما مطمئن نیستم عکس‌ها گویای این شوق و همدلی باشند. به علت کثرت جمعیت، با کمی تأخیر سرانجام برنامه آغاز می‌شود. در کمال تعجب من و خانم پورمحمد، قرائت قرآن ضبط شده، از طریق رایانه پخش شد. این موضوع برای من کمی نامأنوس بود. به نظر من صوت قرآن از زبان یک معلم قاری حاضر در جلسه دلنشین‌تر است. به هر حال جلسه با چند سخنرانی آغاز شد.

در اوایل جلسه، مثل خیلی از همایش‌ها، بحث‌ها تکراری و شاید خسته کننده بودند. همه از هم تشکر می‌کردند و کلی از ما تشکر کردند! آرزوهای خوب و آینده‌ای روشن، آمار تعداد رایانه در مدارس هوشمند، و... گوشه‌ای از این کلی‌گویی‌های تکراری بود. اما حاضران با صبر و متانت به این سخنان گوش

همه‌ی معلمان قابل استفاده باشد. آقای مهندس نعمتی، مهندسی جوان از خانواده‌ای فرهنگی است که دوست دارد در این کار یاری‌رسان آن‌ها باشد، او به نمایندگی از شرکت پارس آن‌لاین، از این همایش حمایت می‌کند تا امکان استفاده از اینترنت پرسرعت برای معلمان ارومیه فراهم شود.

قرار است مهندس موسوی مجری کارگاه باشد و ضمن آشنا کردن معلمان با اینترنت پرسرعت، از نحوه‌ی ایجاد پست الکترونیک و جست‌وجوی اینترنت هم صحبت کند. ما هم در ضمن شنیدن این اطلاعات نظراتمان را ارائه می‌کنیم. به نظر ما، اجرای این کارگاه با کارگاه‌های متداول فاصله دارد. دوستان توضیح می‌دهند که این مقدمه‌ای است برای جلسات اصلی.

بخشی از پشت صحنه‌ی این گفت‌وگوها را بشنوید:

مهرداد: ممکن است فردا فقط چند نفر بیایند. ممکن است سالن مملو از جمعیت شود. آیا شرکت شما، آقای نعمتی، متضرر نمی‌شوید؟

نعمتی: ما این کار را یک خدمت فرهنگی می‌دانیم. حتی اگر یک نفر هم بیاید، برای ما ارزش سرمایه‌گذاری دارد.

مهرداد: ما همه‌ی تلاشمان را می‌کنیم و باز هم تا آخر شب پیامک می‌فرستیم. کار ما روز و شب ندارد. ان‌شاءالله که همه می‌آیند.

راست می‌گویند. تا نیمه‌های شب در تدارک آماده‌سازی سالن هستند.

یک‌شنبه، ۱۰ مرداد صبح زود
مجله‌ها هنوز نرسیده‌اند. مجله‌ای که از مدرسه‌ی فردا و فناوری سخن می‌گوید، با اتوبوس شب رو مسافر ارومیه بود، اما هنوز نرسیده است! خودمان را به سرعت به محل همایش می‌رسانیم تا



موزه‌ی ارومیه

**مجله‌ای که
از مدرسه‌ی فردا
و فناوری سخن
می‌گوید، با اتوبوس
شب رو مسافر
ارومیه بود، اما هنوز
نرسیده است!**



پوستری که درست کردیم

سپردند.

در نهایت آقای مهندس موسوی، مدرس کارگاه پس از کلی مقدمه چینی، بحث اصلی را آغاز کرد. از تاریخچه رایانه و اینترنت و انواع روش های اتصال به اینترنت سخن گفت. بحث اینترنت پرسرعت با سئوال های فراوان حاضران در مورد نحوه ی اتصال و به کارگیری مواجه بود که قرار شد در پایان جلسه پاسخ داده شوند.

در میانه ی بخش سوم برنامه، حدود ساعت ۱۱، مجلات رشد رسیدند و من و خانم پورمحمد نفس راحتی کشیدیم. با تعجب دیدیم که نیروهای خودجوش و داوطلب، همراه با پذیرایی، به سرعت مجله ی ما را به دست همه ی حاضران رساندند. بعد از آن ما فرصت کوتاهی داشتیم تا برای حاضران از مجله و تجربه های معلمان از استفاده رایانه و اینترنت پرسرعت که تسهیل کننده در امور رایانه ای است سخن بگوییم. به دنبال صحبت های ما، باز هم آقای موسوی از اینترنت و نحوه ی ایجاد پست الکترونیک صحبت کرد. جالب این که تعداد زیادی حاضران در حال یادداشت برداری از این مطالب بودند.

سرانجام آقای رزم آرا، این معلم جوان و پرانرژی که دلسوزانه و بی سر و صدا همه جا حضور داشت و انجمن علمی آموزشی معلمان ابتدایی به همت او هم چنان در تابستان هم فعال و پویاست، پشت تریبون قرار گرفت و او که حرف های گفتنی زیاد داشت و قرار بود از یادگیری با تلفن همراه سخن بگوید. بزرگوارانه سخن همه را شنید و نخواست پراگویی کند. فقط به معلمان علاقه مند مژده داد که انجمن علمی آموزشی معلمان روز پنجشنبه پذیرای معلمان مشتاق خواهد بود که برای ثبت نام اینترنت پرسرعت مراجعه خواهند کرد. وی افزود این اولین

جلسه بود و جلسات بعدی آن گونه که شایسته ی چنین محتوایی است، برگزار خواهد شد: به صورت فعال و کارگاهی با رایانه و امکان اتصال به شبکه ی جهانی. خدا را شکر کردیم که یکی از مسئولان جلسه خود این سخن را گفت. زیرا کمی عجیب به نظر می رسید، در همایشی که قرار بود از اینترنت و سرعت بگوییم، کارگاه آموزشی نه شبیه کارگاه بود نه به اینترنت دسترسی داشتیم.

حدود ظهر جلسه به پایان رسید. چند معلم علاقه مند سراغ ما آمدند و بسیاری دیگر سراغ آقای رزم آرا رفتند برخلاف خیلی از جلساتی که خود میزبان آن ها بودم، نه گلایه ای شنیدم و نه سخن مأیوس کننده ای. همکاران آذری ما سرشار از انرژی بودند و امیدوار به سودمندی کاربرد فناوری. با همان همراهی و همدلی که جلسه را بر پا کردند، در جمع آوری و پایان دادن به جلسه هم همه همدل بودند.

ساعتی بعد این من و خانم پورمحمد بودیم که در گرمای مهربان مردادماه ارومیه در خیابان ها قدم می زدیم تا آخرین ساعات اقامت در این شهر زیبا را از دست ندهیم.

احساس کردیم ده ها دوست به دوستان مجله اضافه شده اند. آلاهی قوت و توسین.

امروز...

ما مطمئن هستیم، معلمان ارومیه باز هم ما را شگفت زده خواهند کرد. از تجربه های معلمی با به کارگیری رایانه، حتماً برایمان خواهند نوشت و ما و شما را در تجربیات زیسته ی خود شریک خواهند کرد.

بعدالتحریر:

آقای رزم آرا در تماس تلفنی به خانم پورمحمد خبر داد، در اولین پنجشنبه ی بعد از برگزاری کارگاه، حدود ۴۰ معلم برای دریافت اینترنت پرسرعت مراجعه کردند.



جمعیتی که برگه حضورشان را امضا می کنند.



آن ها که بی سرو صدا پشت صحنه همکاری می کنند

یک روز در کلاس روان‌شناسی آنلاین

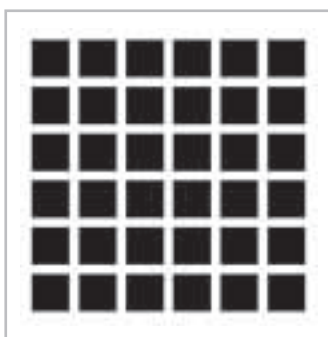
● غلامحسین رستگار نسب

اشاره

گزارش حاضر، تجربه کلاس روان‌شناسی آنلاین در پژوهش‌سرای دانش‌آموزی محمدبن‌زکریای رازی شهرری است.

دانش‌آموزان: مائده اسماعیل‌پور، محدثه سلیمان‌پور، مهسا جوهری، زهرا هادی‌پور، زهرا خوش‌قلب، زهرا سعادت‌تی، زهرا جعفری، فائزه اسراری، سولماز روزبان، معصومه طهماسبی، فاطمه کبیری
استاد راهنما: هنده مجدی

بچه‌ها وارد سایت شدند و تصاویر را نگاه کردند. تصاویر برایشان جالب بود. شاید ما هر روز با تعداد بسیاری از این تصاویر روبه‌رو شویم. گاه بعضی از آن‌ها آن قدر خارق‌العاده، زیبا و هنرمندانه‌اند که در ذهن باقی می‌مانند.



تصویر ۲. در این خطای دید، لکه‌های خاکستری رنگ سایه ماندنی در نقاط تقاطع چهار خانه‌های سفید رنگ، در پس زمینه‌ی سیاه دیده می‌شوند. در حالی که اگر به طور مستقیم به نقاط تقاطع نگاه کنید، لکه‌ها محو می‌شوند.

سؤالاتی که در ذهنشان بوجود آمده بود، وارد اینترنت شدند و به جست‌وجو در سایت‌ها پرداختند.

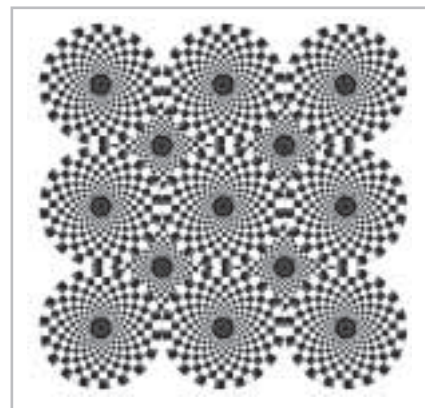
آیا واقعا این تصاویر متحرک هستند؟ در بعضی سایت‌ها نوشته شده بود: «اگر شما این تصویر را متحرک ببینید، دارای استرس یا اضطراب هستید!» آیا واقعا چنین است؟ بچه‌ها می‌خواستند ببینند؛ آیا در محیط‌های جغرافیایی متفاوت ادراک‌ها و دیدگاه‌ها نیز فرق می‌کنند؟ آیا نسبت به مکان و زمان این تصاویر ثابت‌اند؟ این اشکال به این صورت، کدام قسمت مغز را متأثر می‌سازند؟

در یکی از سایت‌ها چنین نوشته شده بود: «آیا تا به حال از این واقعیت آگاه بوده‌اید که آن‌چه تصور می‌کنید می‌بینید، ممکن است دقیقاً آن چیزی نباشد که واقعا وجود دارد؟ آیا می‌دانستید که مناطقی در مغز شما وجود دارند که پیام‌های عصبی را پردازش می‌کنند و حاصل کار این مناطق ممکن است تصویری ذهنی در مغز شما ایجاد کنند که تفاوت قابل ملاحظه‌ای با پیام‌های خام عصبی دارند؟»

در این‌جا باز برای یکی از دانش‌آموزان سؤالی پیش می‌آید: چرا ما همه‌ی اشیا را متحرک نمی‌بینیم؛ مثلاً «نوشته‌های کتاب را؟»

دستگاه بینایی ما به حرکت واقعی، یعنی به حرکت شی در فضا، از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر، حساس است. برخی خط سیرهای حرکت روی شبکه‌ی را می‌توان ناشی از حرکات چشم روی صحنه‌ای ثابت دانست و حرکات دیگر را باید به اشیای متحرک نسبت داد.

پس خطای دید چیست؟ احساس دیدن تصاویری که فریبنده یا گمراه کننده هستند در این حالت، اطلاعاتی که به‌وسیله‌ی چشم جمع‌آوری و توسط مغز پردازش می‌شود، به درک تصویری می‌انجامد که با واقعیت آن تصویر تطابق ندارد.



تصویر ۱. به نظر می‌رسد حلقه‌های مارپیچ در حال گردش‌اند... جالب این‌که وقتی چشم را روی یکی از دسته دوایر ثابت می‌کنیم، دیگر خبری از گردش آن نیست...

از دانش‌آموزان خواستم با دقت همه‌ی تصاویر را نگاه کنند و بدون دخالت نظر دیگری، در مورد هر تصویر نظرشان را بنویسند. در پایان از همگی خواستم در مورد هر تصویر آن‌چه را که یادداشت کرده‌اند، توضیح دهند.

به نظر اکثر دانش‌آموزان، تصاویر متحرک بودند. بعضی هم گفتند، وقتی به تصاویر نگاه می‌کنند، گیج می‌شوند. دانش‌آموزان برای یافتن

جالب این که هر چه بچه‌ها کلیک می‌کردند، مطالب جالب‌تر می‌شدند. یکی از دانش‌آموزان در مورد خطای دید در طبیعت از سایت «بیابان‌ها و کویرهای ایران» مطلبی را پیدا کرد:

«فریب‌های ناشی از درخشش نور خورشید: شرایط آب و هوایی و تابشی نور خورشید می‌تواند ما را در مشاهده‌ی تصاویر و برداشتی که از آن‌ها در ذهن داریم، فریب دهد. نور قوی خورشید، در آسمانی با پوشش ابری کم، سبب ایجاد نور روشن خیره‌کننده در طول روز می‌شود. گاهی اوقات نیز بینایی محدودی را ایجاد می‌کند. در نتیجه برداشت ما در محاسبه‌ی مسافت کاملاً اشتباه می‌شود. در این شرایط، فاصله‌ها را کم‌تر از مقدار واقعی آن‌ها تخمین می‌زنیم. اگر به سوی هدفی خاصی در حرکت هستید، این موضوع اهمیت پیدا می‌کند؛ زیرا فاصله تا هدف را کمتر از واقعیت محاسبه خواهیم کرد. قدرت دید تحت تأثیر امواج گرمایی که از سطح بلند می‌شوند و سراب ایجاد می‌کنند، قرار می‌گیرد.»

دانش‌آموزان برای پیدا کردن جواب سؤالات خود از سایت «شبکه‌ی رشد، انجمن روان‌شناسی» کمک گرفتند و سؤالاتی را در زمینه‌ی مذکور از این سایت پرسیدند:

در خطای دید، چشم خطا می‌بیند یا مغز خطا می‌کند؟ آیا همه‌ی افراد در خطای دید، آن‌چه را که هست، یکسان می‌بینند؟

در خطای دید، آن‌چه که ما می‌بینیم و احساس می‌کنیم، کار ذهن ماست یا این که واقعیت دارد؟ آیا خطای دید در مورد تمامی افراد صدق می‌کند؟

تصویر ۳. در این خطای دید، اگر با دقت نگاه کنید، اشکال را متحرک و در حال چرخش می‌بینید.



پاسخی که دانش‌آموزان از انجمن روان‌شناسی سایت شبکه‌ی رشد گرفتند، چنین بود:

«تجربه‌های متفاوت ثابت کرده‌اند که ادراک ما کپی ساده‌ی واقعیت نیست. به عبارت دیگر، دنیای خارج به همان صورتی که هست در ذهن ما منعکس نمی‌شود. زمانی که ادراک ما با واقعیت تطبیق نمی‌کند، اصطلاحاً می‌گوییم که به خطای ادراک گرفتار شده‌ایم.»

البته مواردی دیگر نیز یافت می‌شوند که در آن‌ها، ما دنیای خارج را به همان شکلی که هست، درک نمی‌کنیم. یکی از آن‌ها «توهم»

است. توهم عبارت است از ادراکی که موضوع مشخصی ندارد و در اثر اختلال‌های فردی به وجود می‌آید. مثلاً فرد خیال می‌کند که او را صدا می‌زنند. توهم تنها در اشخاص بیمار دیده می‌شود، اما خطای ادراک برعکس، اولاً در همه‌ی اشخاص دیده می‌شود، ثانیاً موضوع مشخصی دارد. خطای ادراک در همه‌ی افراد یکسان است و همه‌ی مردم آن را تجربه کرده‌اند. حال آن که توهم‌ها یکسان نیستند. یکسان بودن خطاهای ادراکی موجب شده است که روان‌شناسان بتوانند آن‌ها را به طور آزمایشی مطالعه کنند؛ در صورتی که مطالعه‌ی آزمایشی توهم امکان‌پذیر نیست.

خطای ادراکی، تصویری است ادراکی که اشتباه‌آمیز است؛ از این لحاظ که با تصویری که علوم طبیعی به کمک ابزارهای اندازه‌گیری خود به دست می‌دهند، اختلاف دارد. مانند خطوط ریل راه آهن که بیننده فکر می‌کند در انتها به هم می‌رسند. بعضی از خطاهای ادراکی مانند شکسته دیده شدن چوب در نقطه‌ای که وارد آب می‌شود، یا دیدن تصویرهای عجیب در آینه‌هایی که در تفریح‌گاه‌های عمومی نصب می‌شوند، جنبه‌ی فیزیکی دارند. به این معنا که ناشی از تحریف‌هایی در محرک‌هایی هستند که به گیرنده‌های حسی ما می‌رسند. برخی خطاهای نیز جنبه‌ی ادراکی دارند. به این معنا که در دستگاه ادراکی ما به وجود می‌آیند.

در روان‌شناسی، بیشتر این گونه خطاهای ادراکی مورد توجه هستند. خطاهای ادراکی هندسی که وسیع‌ترین طبقه از خطاهای ادراکی را شامل می‌شوند؛ بسیار مورد توجه قرار دارند. این‌ها یک سلسله طرح‌های خطی هستند که بخشی از آن‌ها از لحاظ ادراکی تحریف شده‌اند. برخی از خطاهای ادراکی از اندازه‌ی نسبی مایه می‌گیرند. فهم برخی دیگر از آن‌ها وقتی امکان‌پذیر می‌شود که فرض کنیم شکل‌ها در نمای سه بعدی ارائه شده‌اند.»

طبق نتیجه‌گیری دانش‌آموزان از نوشته‌های سایت‌های اینترنتی:

«خطاهای ادراکی در همه‌ی افراد یکسان هستند و تفسیری که در ذهن ما از دیدن این تصاویر ایجاد می‌شود، واقعاً آن چیزی نیست که می‌بینیم. در واقع، مقداری از آن حاصل پردازش مغز ماست. در نتیجه احساس همان ادراک نیست. آن‌چه که ادراک می‌کنیم، همیشه با آن‌چه در مقابل ما قرار دارد، منطبق نیست.»

پس ما در کلاس روان‌شناسی به سؤالاتی که در ذهنمان ایجاد شده بود، رسیدیم و یک روز در کلاس روان‌شناسی چنین سپری شد.

منابع

۱. وبگاه بیابان‌ها و کویرهای ایران.
۲. وبگاه خطاهای دید در روان‌شناسی.

www.roshd.ir



www.tahoor.com

پایگاه
اینترنتی
فرهنگی

جام طهور

● الهه دلجو

جام طهور، یک پایگاه جامع اینترنتی در زمینه‌ی معارف اسلامی است. این پایگاه وابسته به «مؤسسه‌ی فرهنگی جام طهور» است که مؤسسه‌ای غیر انتفاعی و غیردولتی است و می‌کوشد معارف دین اسلام را در حوزه‌های گوناگون به شیوه‌ای جذاب؛ مستند و اصولی به مخاطبان ارائه دهد. هدف‌های این پایگاه عبارت‌اند از: فراهم‌سازی دست‌یابی سریع و آسان به معارف دینی همراه با دسته‌بندی‌های منطقی؛ استفاده‌ی بهینه از محتوای موجود در معارف اسلامی؛ ارائه‌ی نظرات اندیشمندان شیعی در حوزه‌های گوناگون.

پایگاه اینترنتی طهور خود مشتمل بر چندین پایگاه اینترنتی و دارای این بخش‌هاست:

کتابخانه‌ی طهور: این کتابخانه مجموعه‌ای است طبقه‌بندی شده شامل بیش از هشت هزار مطلب مستقل از کتاب‌های علامه طباطبایی، علامه تهرانی و شهید مطهری که امکان جست و جو بر اساس اثر، موضوع و نویسنده را در اختیار کاربر قرار می‌دهد.

دایرة‌المعارف: این دایرة‌المعارف جامع و بزرگ شامل مباحث اصلی دینی (عقاید، اخلاق، احکام، فرهنگ و علوم انسانی و زندگی‌نامه شخصیت‌های اسلامی) با طبقه‌بندی کامل موضوعی و امکان جست و جوی واژه و موضوع است.

کتاب‌شناسی طهور: در این بخش اطلاعات مفید و جامعی از کتب مهم در زمینه‌های علوم قرآن و تفسیر، حدیث، فقه و اصول، تاریخ، جغرافیا، هنر، علوم، فرهنگ، عرفان و... به خوانندگان ارائه می‌شود.

ترجمه‌ی قرآن طهور: این بخش شامل متن قرآن به همراه ترجمه‌ی فارسی طهور و صوت، با امکان جست و جو و نمایش برحسب سوره، آیه، صفحه و جزء است.

تفسیر فارسی طهور: تفسیر فارسی طهور، مجموعه‌ای است در ارتباط با «تفسیر المیزان» اثر علامه طباطبایی. در تفسیر طهور، مجموعه‌ی المیزان به صورت تفسیر ترتیبی، تفسیر موضوعی، نکات تفسیری و واژه‌های قرآنی قابل دسترسی است.

اعلام طهور: مجموعه‌ای است طبقه‌بندی شده از اعلام شامل انبیاء، عرفا، ادبا و شعرا، فلاسفه، مورخین، دانشمندان، مفسرین، متکلمین، و...

کاربران طهور: این بخش به اعضای طهور اختصاص دارد. کاربران با عضویت رایگان در این سایت می‌توانند از امکانات مجموعه‌ی سایت‌های طهور استفاده کنند. در این بخش، به سؤالات کاربران که در سایت مطرح می‌کنند، پاسخ داده می‌شود.

پادکست طهور: این پادکست‌ها بنا به مناسبت‌های مذهبی توسط تیم هنری - فنی مؤسسه‌ی طهور تولید می‌شود. تاکنون پادکست‌های ویژه‌ی فاطمیه، مبعث، نیمه‌ی شعبان، ۲۱ رمضان و عید غدیر در سایت بارگذاری شده است.

از طریق این پایگاه می‌توانید به رادیوی اینترنتی «پنج روز» (www.5rooz.com) نیز دسترسی پیدا کنید.

● مریم سادات امامی

کتابخانه‌ی کودکان جهانی

این یک کتابخانه‌ی بین‌المللی از نوع دیجیتال است که پذیرای کودکان سرتاسر دنیاست. تنها کافی است کشور مورد نظر را انتخاب کنید، کتاب دل‌خواه خود را بیابید و از خواندن آن لذت ببرید.

با انتخاب این گزینه، ابتدا می‌توانید قاره‌ی مورد نظر خود را از روی کره‌ی جغرافیایی پیدا کنید و سپس کشور و زبان مورد نظر را در صفحه‌ی جدید بیابید. شناسنامه‌ی کتاب و خلاصه‌ی آن را از جمله زبان فارسی نیز می‌توانید. در حاشیه‌ی سمت راست صفحه مشاهده کنید. در این جا می‌توانید زبان‌های متفاوتی را برای دیدن شناسنامه و خلاصه‌ی کتاب برگزینید.

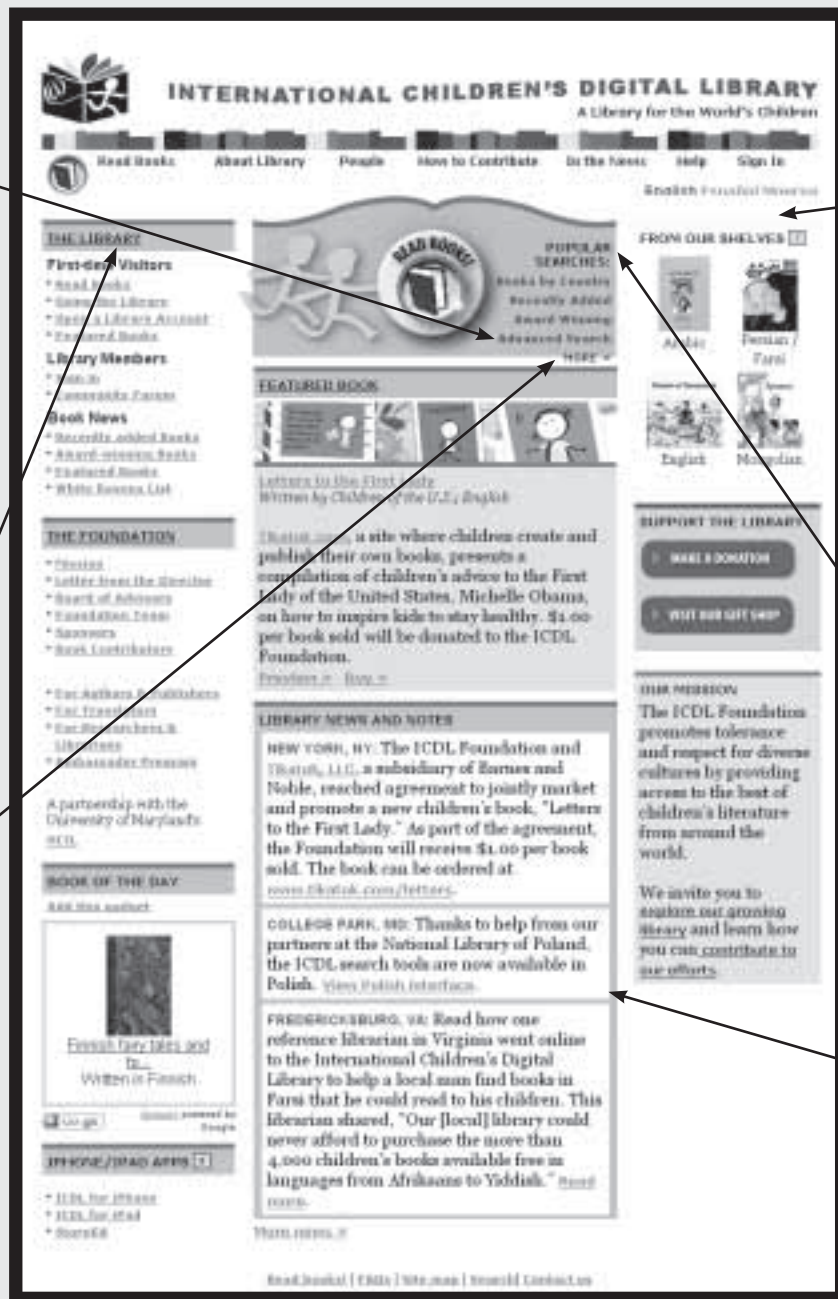
با انتخاب این گزینه می‌توانید یک جست و جوی سریع و ساده با استفاده از آیکن‌ها و نشانه‌ها داشته باشید.

با انتخاب این گزینه جدیدترین کتاب‌های اضافه شده به کتابخانه را می‌بیند. همچنین از طریق لینک‌های زیرین می‌توانید جست و جوی پیشرفته و یا کتاب‌های برگزیده را بیابید.

با عضویت در کتابخانه در دو رده‌ی سنی کودک و بزرگسال، دسترسی به کتاب‌های مورد علاقه و پیگیری مطالعات قبلی را ساده‌تر دنبال کنید.

به اطلاعاتی در زمینه‌ی کتابخانه، اخبار جدید همکاران سایت، نحوه‌ی مشارکت و... از این طریق دست خواهید یافت.

آشنایی با کتاب روز، اطلاع از سیاست‌های تأسیس کتابخانه، آشنایی با هدایای تبلیغاتی و... دیگر اطلاعاتی است که در این صفحه مشاهده می‌کنید.




SCRATCH

● آرزو امیر جاملویی
دبیر منطقه‌ی ۶ آموزش و پرورش

اشاره

در شماره پیش یکی از پروژه‌های آماده اسکرچ را معرفی کردیم. در این شماره با پروژه دیگری که با اسکرچ تهیه شده است، آشنا می‌شویم. شایان ذکر است که اسکرچ یک زبان برنامه‌نویسی گرافیکی جدید است که تصور ما در برنامه‌نویسی را کاملاً تغییر می‌دهد.

پروژه‌ی چراغ راهنما

می‌خواهیم یک چراغ راهنمای چشمک زن درست کنیم. با کلیک روی  یک چراغ راهنمایی طراحی کنید (در حالی که چراغ قرمز است). سپس به قسمت «costumes» بروید و با زدن دکمه‌ی «copy» یک کپی از آن بگیرید. سپس دکمه‌ی «Edit» را کلیک کنید تا بتوانید با تغییر آن، یک حالت دیگر (costume) ایجاد کنید. (مثلاً حالت زرد و سبز چراغ راهنما).



می‌توانید با نوشتن اسکریپت‌های مناسب، برای اسپریتی که خود آن را ساخته‌اید، حالت انیمیشنی ایجاد کنید (چراغ به طور پی در پی سبز و زرد و قرمز شود).

اکنون می‌خواهیم برنامه‌ی چراغ راهنما را طور دیگری بنویسیم. می‌خواهیم خودمان قرمز، زرد و سبز شدن چراغ را تعیین کنیم؛ به این شکل:

با زدن دکمه‌ی R کی‌بورد، چراغ قرمز شود.
با زدن دکمه‌ی G کی‌بورد، چراغ سبز شود.
با زدن دکمه‌ی Y کی‌بورد، چراغ زرد شود.

می‌بینیم که این بار برنامه‌ی ما باید با فشردن دکمه‌ی کی‌بورد کاری انجام دهد. نه با زدن پرچم سبز پس برنامه را با این بلوک‌ها آغاز می‌کنیم.



در برنامه‌ی قبل از بلوک `next costume` استفاده کردیم. در این برنامه به جای این بلوک باید از دستوری استفاده کنیم که به `costume` مورد نظر ما برود. مثلاً با فشردن دکمه‌ی R، به `costume` چراغ قرمز برود؛ یعنی بلوک: `switch to costume costume1`. برنامه‌ی چراغ راهنما را کامل کنید و لذت ببرید!



فعالیت



یک زمینه‌ی دل‌خواه انتخاب کنید.

اسپریت «0» را از پوشه‌ی «Letters» و سپس پوشه‌ی «keys» انتخاب کنید. برنامه‌ای بسازید که با هر بار زدن دکمه‌ی فلش بالای کی‌بورد، عدد بالاتر را نشان دهد و با هر بار زدن دکمه‌ی فلش پایین کی‌بورد، عدد پایین‌تر را نشان دهد (راهنمایی: از `costume` های دیگر همین اسپریت استفاده کنید).



➤ پروژه‌ی آکواریوم

برای ساده‌تر شدن کار، پروژه‌ی آکواریوم را در دو مرحله انجام می‌دهیم:
مرحله‌ی اول: یک آکواریوم با یک ماهی کوچک!



ابتدا بهتر است یک زمینه‌ی مناسب برای کارمان انتخاب کنیم.

حالا یک ماهی برای آکواریوم انتخاب می‌کنیم یا خودمان می‌کشیم.

حالا باید ماهی را به حرکت در آوریم. برای این کار، اول باید تصمیم بگیریم که ماهی چگونه حرکت کند. مثلاً یک قدم به جلو برود. اگر به مرز رسید، بچرخد و برگردد و دوباره حرکت کند و... و این کار مرتب تکرار شود:



نکته: دقت کنید که حالت چرخش اسپرایت شما روی باشد.

می‌توانید حالت چرخش ماهی را روی هر کدام از سه حالت قرار دهید و برنامه را اجرا کنید و ببینید چه فرقی با هم دارند.

ماهی آکواریوم شما حرکت می‌کند و وقتی به ته آکواریوم می‌رسد، برمی‌گردد، ولی حرکت آن کمی یکنواخت و غیرطبیعی است. برنامه‌ی زیر را به ماهی آکواریومتان بدهید و نتیجه را ببینید:



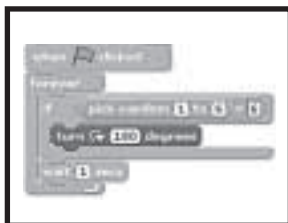
آیا می‌توانید حدس بزنید این دستور به چه معناست؟

برای اینکه حرکت ماهی طبیعی‌تر به نظر بیاید، باید در مواقعی وسط راه دور بزند و برگردد. می‌توانیم یک عدد اتفاقی بین ۱ و ۶ انتخاب کنیم (مانند تاس ریختن) و مثلاً اگر ۶ آمد، دور بزند و برگردد؛ چه‌طور است؟

یک عدد اتفاقی بین ۱ و ۶ برای ما انتخاب می‌کند. `pick random 1 to 6`

مرحله‌ی دوم: اضافه کردن ماهی‌های بیشتر به آکواریوم

حالا که با مقدمات کار آشنا شدید، ماهی‌های رنگارنگ بیشتری را به آکواریوم خود اضافه کنید. با دقت برای هر کدام برنامه‌ی حرکت بسازید. سعی کنید تا جایی که می‌توانید در این کار خلاقیت به خرج دهید. ممکن است بخواهید خودتان ماهی‌ها را طراحی کنید. حتی ممکن است ماهی‌های آکواریوم شما به شکل‌های متفاوتی در آب حرکت کنند و هر کدام یک برنامه‌ی خاص برای حرکت لازم داشته باشند. ابتکار و خلاقیت خود را در این مرحله نشان دهید.





تئوری یادگیری

● نرگس لیاقی مطلق
دبیر فیزیک منطقه یک تهران

راهبردهای ارائه شده در این کتاب، بر رویکرد ساختن‌گرایی متمرکزند که در آن، بر کاربرد مهارت‌ها و شیوه‌های تفکر انتقادی در کلاس درس تأکید شده است. و نمونه‌هایی از این رویکرد برای استفاده‌ی معلمان ارائه شده است. مهارت‌ها عمومیت دارند و ویژه ناحیه‌ای خاص نیستند. معلمان و کارشناسان با توجه به نیازهای خود می‌توانند در این کتاب نمونه‌هایی مناسب به ویژه در یادگیری میان رشته‌ای، مانند حل مسئله و یادگیری اکتشافی بیابند. این کتاب همچنین روی برنامه‌ریزی درسی با به کارگیری فاوا تمرکز دارد و معلمان و برنامه‌ریزان درسی را با دانش و بینش‌های جدید برنامه‌ریزی درسی و شیوه‌های نوین آموزش آشنا می‌کند، در این کتاب فلسفه‌ی ساختن‌گرایی و فراشناختی (تفکر درباره‌ی تفکر) و نقش رویکرد فراشناختی در زمینه‌ی فاوا نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

نویسندگان این کتاب شماری از راهکارها و شیوه‌های نوین آموزشی را با به کارگیری فاوا را مطرح و راهکارهای افزایش دانش و تفکر فراشناختی را که ساختار برنامه‌ریزی درسی فاوا بر پایه‌ی آن استوار است، توضیح داده‌اند. هدف نویسندگان «برنامه‌ریزی درسی و فناوری اطلاعات و ارتباطات» فراهم کردن راهنمایی برای دست‌یابی معلم و دانش‌آموز به تفکر خلاق و انتقادی بوده است و به خوبی نیز از عهده‌ی این مهم برآمده‌اند.

برنامه ریزی درسی و فناوری اطلاعات و ارتباطات
نویسنده: زهره عابدی کرجی‌بان - حمیدرضا کفایش
ناشر: انتشارات مدرسه
نوبت چاپ: اول
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
سال نشر: ۱۳۸۸

این کتاب می‌کوشد فرایند آموزش را هم چون علوم دیگر این قرن، با «فناوری اطلاعات و ارتباطات» (فاوا) هم‌سو کند. جست و جو برای واقع‌گرا ساختن آموزش در قرن بیست و یکم و تبدیل محیط آموزشی به محیط یادگیری، به این منظور است که فراگیرندگان در کار گروهی و یادگیری فردی مهارت به دست آورند تا بتوانند ارتباطات اجتماعی برقرار و نیز بر پایه‌ی تفکر انتقادی مطالعه کنند. این کتاب، کارشناسان و متخصصان برنامه‌ریزی درسی، معلمان و مدیران را راهنمایی می‌کند تا درکی روشن از شیوه‌های نوین آموزش بر پایه‌ی فاوا به دست آورند.

کتاب شامل پنج فصل با این عنوان‌هاست: زمینه‌ی تاریخی تئوری یادگیری؛ فاوا در فرایند یادگیری - یاددهی؛ فاوا در برنامه‌ریزی درسی؛ شیوه‌های تدریس با بهره‌گیری از فاوا؛ ارزش‌یابی در فرایند یاددهی - یادگیری. در هر فصل بر پایه‌ی موضوع آن، جدول‌ها، نمودارها و نمونه‌های متنوعی ارائه و در پایان، خلاصه‌ای از رئوس مطالب آن فصل ذکر شده است.



آینده‌ی آموزش ۹ آموزش آینده

● بهناز پورمحمد

نظام برتر (آینده‌ی آموزش و آموزش آینده)

مؤلف: اردوان مجیدی

ناشر: انتشارات ترمه

سال نشر: ۱۳۸۰

محل نشر: تهران

شمارگان: ۳۰۰۰

نوبت چاپ: اول

امروزی آن‌ها دچار تحول خواهند شد. در جای دیگری می‌خوانیم: «مفاهیمی که امروز به عنوان اصول و محورهای آموزش می‌شناسیم، در حال تغییرند. هنوز در انتقال بیش از نیمی از مفاهیمی که جهان نوین و آینده‌ی آموزش با آن‌ها مواجه است، به بهترین مخاطبان، مشکل داریم. قطعاً مشکل از آن‌ها نیست. پس مشکل از کجاست؟»

از این‌گونه سؤالات در محتوای فصل اول فراوان به چشم می‌خورد که خواننده را دچار چالش فکری می‌کند. نویسنده در ادامه‌ی کتاب می‌کوشد نشان دهد که ماجرا بسیار عمیق‌تر از نگرش‌های سطحی است. در واقع مسئله اصلی خود علم و آموزش است و نه رایانه و یا آموزش به کمک رایانه و در آغاز این کوشش به نقل از «تافلر» در کتاب موج سوم می‌خوانیم: «جامعه‌ی بشری تا کنون دو موج تمدن سنتی و صنعتی را پشت سر گذاشته و در حال ورود به تمدن موج سوم، یعنی فراصنعتی یا پُست مدرن است.» و اما در باب دوران سوم که در حال ورود به آن هستیم، تنها می‌توانیم اشاره کنیم که برای ما دوران شگفت‌آوری خواهد بود...»

این کتاب دارای پنج بخش و ۱۷ فصل است. عنوان‌های پنج بخش عبارت‌اند از: شگفتی یک تغییر؛ نگاهی به یک مدل، یک شاهد؛ از آموزش سنتی تا دوران سوم؛ تصمیم‌گیری دوران سوم؛ نتیجه‌گیری. هر بخش فصل‌هایی با عناوینی مشخص که با ذکر مثال‌هایی روشن شده است. مؤلف در مورد آینده‌ی آموزش در از پیش‌گفتار بیان می‌کند: «نظام آینده نه تنها از ابعاد شکلی و ابزاری متفاوت است، بلکه این تفاوت ماهوی خواهد بود. نظام برتر آینده تنها به استفاده از سیستم‌های رایانه‌ای توسط فراگیرندگان کلاس‌های مجازی و نظایر آن محدود نمی‌شود. بلکه مفاهیمی چون فراگیرنده مدرک تحصیلی، آموزش، کار، کلاس، تحصیل و نظایر آن، نسبت به معنای



برای آشنایی با یک استان

سفری زمینی

● ترجمه و تالیف: منصوره فروزان

سرآغاز

دارید، برای خانواده‌تان کارت پستالی اطلاعاتی می‌فرستید. مراحل انجام کار در برگه‌ی «دستورالعمل فعالیت» داده شده است. پس یا علی بگویند و کار را شروع کنید.»

در زیر نمونه‌ای از برگه دستورالعمل آمده است. بدیهی است که معلمین گرامی برحسب نوع امکانات خویش می‌توانند تغییراتی در آن ایجاد کنند.

الف) برگه‌ی دستورالعمل فعالیت سفر زمینی در استان...

در این فعالیت، با شهرها و نقاط دیدنی و مهم این استان آشنا خواهید شد.

مرحله‌ی ۱. برنامه‌ریزی مسیر سفر

ابتدا درباره‌ی شهرها و نقاط دیدنی، تاریخی و مهم استان اطلاعاتی به‌دست آورید.

هنگام جست‌وجوی اطلاعات، فهرستی از مکان‌هایی را آماده سازید که مایلید در سفر خود از آن‌ها دیدن کنید. سفر را طوری برنامه‌ریزی کنید که حداقل یک شهر پرجمعیت، یک شهر کم‌جمعیت، مرکز استان، یک روستا و نقاط مهم جغرافیایی در مسیرتان باشد. سعی کنید تنها به نقاط معروف سفر نکنید. مثلاً جنگل‌های انبوه، مناطق تاریخی دورافتاده، قله‌های بلند یا آتش‌فشانی و مانند این‌ها را در برنامه‌ی سفر خود بگنجانید. پس از انتخاب نقاط مورد نظر، اطلاعاتی درباره‌ی آن‌ها به‌دست

هدف از این فعالیت، آشنایی دانش‌آموزان با جغرافیای یک استان است. بدین منظور، ابتدا آن‌ها برنامه‌ی سفر خود را طراحی می‌کنند، سپس رسم نقشه‌ی مسیر سفر و محاسبه‌ی مسافت‌های مورد نظر را به کمک برنامه‌ی «BING MAP» انجام می‌دهند. همچنین به کمک اینترنت، به جست‌وجوی نقاط دیدنی و چشم‌اندازهای زیبای استان می‌پردازند و در پایان، برای تهیه‌ی کارت‌پستال‌های اطلاعاتی، از برنامه‌ی «PUBISHER» استفاده می‌کنند.

این فعالیت با موضوع جغرافیا، برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی مناسب است. از آن‌جا که این فعالیت بیشتر شبیه یک پروژه است، برحسب امکانات موجود در مدرسه و توانایی دانش‌آموزان، چند جلسه‌ی کلاسی وقت لازم دارد.

برای شروع لازم است معلمان محترم ابتدا داستان کار را بدین صورت تعریف کنند: «اگر بخواهیم با ویژگی‌های جغرافیایی یک استان بیشتر آشنا شویم، بهترین کار، سفر به آن استان است. امروز می‌خواهیم سفری مجازی به استان ... انجام دهیم. ابتدا شما با موقعیت شهرها و روستاها و نقشه‌ی راه‌های استان آشنا می‌شوید. سپس درباره‌ی نقاط دیدنی و ویژگی‌های جغرافیایی آن تحقیقات انجام می‌دهید تا بتوانید مسیر سفر خود را تعیین کنید. در هر نقطه‌ای که قصد اقامت



نمایی از صفحه‌نرم‌افزار bingmap



اطلاعات استان اصفهان در سایت تبیان

آورید. مثلاً می‌توانید درباره‌ی پیشینه‌ی تاریخی یا ویژگی‌های نآشنای آن‌ها مطالبی تهیه کنید. حال برنامه‌ی BING MAP را از نشانی www.Bing.com/Maps باز کنید. اگر روی آیکون مسیریاب که در سمت چپ صفحه قرار دارد، کلیک کنید، می‌توانید نقشه‌ی دسترسی به مکان‌های مورد نظران را بیابید. هنگام تعیین مسیر، مسافت‌های مربوطه را حساب کنید، زیرا هنگام تهیه‌ی کارت پستال به این اطلاعات نیاز دارید. تصمیم بگیرید که در هر یک از مکان‌های انتخابی خود، چند ساعت یا چند روز اقامت خواهید کرد. در برنامه‌ی BING MAP این امکان وجود دارد که مسیره‌های مورد نظر خودتان را روی نقشه رسم کنید. برای این کار از قسمت «see your places» استفاده کنید و به کمک رنگ‌های گوناگون، نقاط مورد نظر خود را علامت بگذارید (مثلاً سبز برای مناطق تاریخی، قرمز مناطق طبیعی و...). سپس نقشه‌ی خود را «SAVE» کنید (به تصاویر ضمیمه دقت کنید).

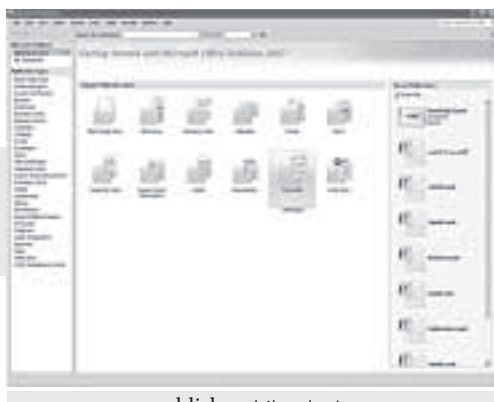
مرحله‌ی ۲. انجام سفر مجازی

حالا وقت آن است که از همه‌ی نقاط مورد نظران دیدن کنید. پس درباره‌ی آن‌ها اطلاعات بیشتری به‌دست آورید. در برنامه‌ی BING MAP اگر روی آیکون See Your Places

کلیک کنید، صفحه‌ی مربوط به نقشه‌ی مورد نظر شما باز می‌شود. شما می‌توانید عناوین، توضیحات مختصر و حتی یک تصویر را به کمک پونزهای مجازی در نقاط مورد نظران بچسبانید. فراموش نکنید که نقشه‌ی کامل شده را SAVE کنید. در هر نقطه‌ای از سفر که مایلید مدتی اقامت کنید، به کمک برنامه‌ی «Microsoft office publisher» کارت پستالی تهیه کنید. هر کارت پستال باید حاوی موقعیت مکانی که اقامت کرده‌اید، تاریخ فرضی، مسافتی که تاکنون طی کرده‌اید، تعداد روزهایی که مایلید در آن جا اقامت کنید. توصیف مختصر آن مکان (چشم‌انداز، تاریخچه و سایر اطلاعات مهم)، یک تصویر از آن جا، و مکان بعدی اقامت باشد. اما چگونه با نرم‌افزار Microsoft Office Publisher کارت پستال تهیه کنید؟ پس از باز کردن برنامه، ابتدا یکی از «template» های کارت پستال را انتخاب کنید (در بخش postcards). شما می‌توانید به راحتی طرح و رنگ دل‌خواه خود را ایجاد کنید. پس از نوشتن جملات مورد نظر، و اطمینان از نداشتن غلط‌های املایی و دستوری، آن را ذخیره کنید.

مرحله‌ی ۳. ارائه‌ی کارها

پس از پایان سفر، کارت پستال‌ها و نقشه‌ی سفر خود را چاپ و در کلاس ارائه کنید.



نمایی از نرم‌افزار publisher



انواع تمپلیت‌های کارت پستال





جستجوی اطلاعات در سایت تبیان

در سایت‌های زیر می‌توانید اطلاعات جالبی بیابید:

www.vefagh.co.ir

www.daneshnameh.roshd.ir

www.tebyan.net

www.iranview.com

حاوی نقشه‌ی راه‌ها و شهرستان‌های تمامی استان‌ها است. هم‌چنین جاذبه‌های گردشگری و تصاویر زیبایی از آن‌ها را دارد.

اطلاعات مفیدی درباره‌ی هر استان دارد.

در بخش گردشگری و ایران‌شناسی آن، اطلاعات جالبی

برای هر استان وجود دارد.

حاوی نقشه‌ی راه‌های ایران است.

برای مثال، برای استان اصفهان سایت‌های زیر پیشنهاد

می‌شوند.

www.myisfahan.com

www.isfahanportal.ir

<http://fa.wikipedia.org>

در مواردی که سرعت دسترسی به اینترنت بسیار پایین است و یا احتمال قطع شبکه موجب کندی کار دانش‌آموزان خواهد شد، پیشنهاد می‌شود معلمین گرامی اطلاعات لازم را جست‌وجو و در صفحات و Paint، Word، Photoshop و ... ذخیره کنند.

ب) فعالیت‌های بیشتر

۱. به جای این که کل دانش‌آموزان کلاس در یک استان سفر کنند، می‌توان آن‌ها را به گروه‌هایی تقسیم کرد؛ به طوری که هر گروه در استان جداگانه‌ای سفر کنند.

۲. از دانش‌آموزان بخواهید علاوه بر فعالیت مطرح شده، بودجه‌بندی مناسبی برای هزینه‌های سفر خود انجام دهند.

۳. از دانش‌آموزان بخواهید، نتیجه‌ی فعالیت خود را به صورت یک پاورپوینت ارائه دهند.

۴. از دانش‌آموزان بخواهید مسیر بهینه را از نظر مصرف انرژی برای سفر خود انتخاب کنند.

لازم است مربیان گرامی از قبل درباره‌ی روش جمع‌آوری اطلاعات توسط دانش‌آموزان، تصمیم گرفته باشند. به منظور جمع‌آوری اطلاعات به کمک اینترنت، ابتدا وارد صفحه‌ی فارسی گوگل شوید:

www.Google.Com/Intl/Fa

سپس نام استان را تایپ و اطلاعات مورد نظر را جست‌وجو کنید. اما از آن‌جا که دسترسی مستقیم دانش‌آموزان به همه‌ی سایت‌ها ممکن است آن‌ها را با تصاویر یا مطالب نامناسب مواجه کند، پیشنهاد می‌شود معلمین گرامی قبلاً سایت‌های مناسب را شناسایی کنند و با Save کردن این صفحات و یا قرار دادن آن‌ها در بخش Favorite، فقط در این سایت‌ها جست‌وجو انجام شود.




رسم مسیر روی نقشه در Bing MAP

اعداد فارسی در ورد ۲۰۰۷

راستش را بخواهید، یکی از دلایلی که همیشه من را برای ارتقای آفیس ۲۰۰۳ به ۲۰۰۷ مردد می‌کرد، تایپ فارسی اعداد بود. بارها ورد ۲۰۰۳ را از ویندوز خود حذف و ورد ۲۰۰۷ را جای‌گزین کرده بودم، اما هر چه در میان گزینه‌های این ورد ارتقا یافته به دنبال پیدا کردن گزینه‌ی مرتبط با تایپ فارسی اعداد، منوها و پنجره‌ها را بالا و پایین کرده بودم، چیزی دستگیرم نشده بود. پرس و جو هم فایده‌ای نداشت. همه‌ی راهنمایی‌ها به نصب فونت فارسی و اعمال تغییرات در تنظیمات زبان سیستم ویندوز رایانه‌ام منتهی می‌شد که البته نتیجه‌ای هم در برنداشت. از آن‌جا که این موضوع برایم خیلی مهم بود، دوباره به خانه‌ی اول باز می‌گشتم؛ یعنی باز هم همان ورد ۲۰۰۳!

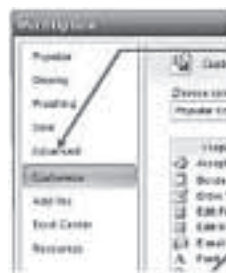
نمی‌دانم چه قدر به مثل «عاقبت جوینده یابنده بود»، اعتقاد دارید. اما این اتفاق برای من در یک روز گرم تابستان افتاد. البته این که من از سر کنجکاوی به راه حل دست یافتم، یا از روی ناچاری مجبور شدم جوینده شوم، بماند. مهم نتیجه است که خدمتان عرض می‌کنم:

۱. ابتدا با دوبار کلیک روی آیکن  وارد محیط ورد ۲۰۰۷ می‌شویم و سمت چپ صفحه‌ی باز شده، روی فلش پنجره‌ی پایین رونده، مطابق تصویر ۱ کلیک می‌کنیم.



تصویر (۲)

۲. در پنجره‌ی پایین رو باز شده، مانند تصویر ۲، روی گزینه‌ی «More commands» کلیک و در پنجره‌ی جدید، گزینه‌ی «Advanced» را انتخاب می‌کنیم.



۳. در سرفصل سوم، یعنی «Slow document content» گزینه‌های

پایین رونده را به صورت‌های تصویر ۴ تنظیم می‌کنیم:

۴. دکمه‌ی «OK» را بزنید تا به صفحه‌ی اصلی ورد برگردید.

به همین سادگی مشکل حل می‌شود حالا هر عددی را در صفحه تایپ کنید فارسی خواهد بود. به علاوه، شماره‌ی صفحه هم دیگر لاتین نخواهد بود.



تصویر (۴)



دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند؛

مجله‌های دانش‌آموزی

۱ به صورت ماهانه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند؛

رشد **کودک** (برای دانش‌آموزان ابتدایی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)

رشد **شادمان** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)

رشد **دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)

رشد **نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)

رشد **دانش** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و دبیرستان‌ها)

مجله‌های بزرگسال عمومی

۱ به صورت ماهانه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند؛

• رشد آموزش ابتدایی • رشد آموزش راهنمایی تحصیلی • رشد تکنولوژی آموزش • رشد مرسد فرود • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال اختصاصی

۱ به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند؛

• رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی) • رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه) • رشد آموزش قرآن • رشد آموزش معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی • رشد آموزش هنر • رشد مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت‌بدنی • رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا • رشد آموزش زبان • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک • رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد آموزش زمین‌شناسی • رشد آموزش فن‌پهنه‌های • رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانشجویان مراکز تربیت‌معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی

• تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۲۰۱۲۷۸

راهنمای تدوین مقاله برای رشد مدرسه‌ی فردا

نویسندگان و مترجمان محترم!

این مجله متعلق به شماست. تجربه‌های ناب، ایده‌ها و حاصل پژوهش‌های خویش را در اختیار دفتر مجله قرار دهید تا با انعکاس آن‌ها در مجله، علاقه‌مندان به این حوزه را در تجربیات خویش شریک سازید. از شما عزیزان تقاضا داریم:

• مقاله‌هایی را که برای درج در مجله می‌فرستید، با موضوع مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.

• مقالات، حاوی مطالب کلی و گردآوری شده در ارتباط با فناوری و کاربرد آن در کلاس درس، نباشد.

• مقاله‌ی ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنان‌چه مقاله را خلاصه می‌کنید این موضوع را قید فرمایید.

• مقاله را یک خط در میان و بر یک روی کاغذ و با خط خوانا بنویسید. البته ترجیح دارد آن را تایپ کنید.

• نثر مقاله، روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی، دقت لازم را مبذول فرمایید.

• در نگارش مقاله از منابع و مأخذ معتبر استفاده کنید و در پایان آن، فهرست منابع را بیاورید.

توجه داشته باشید:

• مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است.

• آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبنای رأی و نظر مسئولان «رشد مدرسه‌ی فردا» نیست. بنابراین مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسندگان یا مترجم است.

• مجله از عودت مقالاتی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی‌شوند، معذور است.

از دریافت نامه‌ها و مقالات شما عزیزان همواره خوش‌حال خواهیم شد. منتظر تجربیات ارزنده‌ی شما در زمینه‌ی روش‌های موفق تدریس با استفاده‌ی بهینه از رایانه در کلاس درس هستیم. در بخش معرفی نرم‌افزار، نرم‌افزار موردنظر باید در قالب یک تجربه‌ی درسی معرفی شود تا برای همکاری کاربردی تر باشد.



همت مضاعف، کار مضاعف

برگ اشتراک مجله‌های رشد

شرایط:

- ۱- پرداخت مبلغ ۷۰۰/۰۰۰ ریال به ازای یک دوره یک‌ساله مجله‌ی درخواستی، به صورت علی‌الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۵۶۶۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آرمیش (سرخحصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت است.
- ۲- ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک بایست‌سفارش. (کپی فیش را نزد خود نگه دارید.)

• نام مجله‌های درخواستی:

• نام و نام خانوادگی:

• تاریخ تولد:

• میزان تحصیلات:

• تلفن:

• نشانی کامل پستی:

• استان: شهرستان:

• خیابان:

• شماره‌ی پستی:

• در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید.

نام و نام خانوادگی

امضا:

• صندوق پستی مرکز بررسی آثار: ۱۵۸۷۵/۴۵۶۷

• صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

• نشانی اینترنتی: www.rushdmag.ir

• امور مشترکین: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۷۳۳۵۱۱۰

• پیام‌گیر مجله‌های رشد: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

یادآوری:

- هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل بودن نشانی و عدم حضور گیرنده، برعهده‌ی مشترک است.
- سنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک خواهد بود.